

# اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

در صفحات دیگر:

خبری از شورای هنرمندان و نویسندگان ایران

صفحه ۸

انقلاب علمی و فنی

صفحه ۲

اجلاس هیئت رئیسه شورای جهانی صلح بودا پست، هشتم تا دهم ماه مه ۱۹۸۰

## قطعه نامه درباره حوادث اخیر ایران

تجاوز کشورهای متحده آمریکا به ایران را محکوم کنید!

بامردم ایران اظهار همبستگی کنید!

هیئت رئیسه شورای جهانی صلح تجاوز آشکار کشورهای متحده آمریکا را که اخیراً به قلمرو جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است محکوم می کند.

این حمله به ایران، که از مدت ها پیش تدارک دیده شده بود، ثابت کرد که تشدید فعالیت های نظامی امپریالیسم آمریکا خطری جدی برای استقلال، امنیت و حاکمیت همه کشورهای منطقه است.

اجلاس هیئت رئیسه همراهِ هشیاری و گردآوری آراء و رای ها برای همبستگی بامردم ایران فراموشی خواند.

### مجلس و آینده ایران

انتخابات اولین مجلس شورای پس از انقلاب به انجام رسید.

اکنون نهاد های اساسی جمهوری اسلامی ایران به وجود آمده و استقرار یافته اند. نمایندگان مردم - صرف نظر از هرگونه قضاوتی که درباره نحوه انتخابشان ابراز شود - وظیفه دارند که در پیوند با روح کلی انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی ایران و در انطباق با قانون اساسی جمهوری اسلامی، قواعد و مبانی زندگی نوین کشور را تدوین کنند. با مسائل بنیادی که انقلاب توده های محروم و مستضعف در زمینه های مختلف سیاسی و اداری، قومی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به وضوح و قوت مطرح کرده است، کار این مجلس بسیار بزرگ و بسیار دقیق خواهد بود. تعادل کلی جامعه، وحدت ملی و استقلال ایران و کار عظیم سازندگی در امن و آرامش و مقابله با پیروزمندان با توطئه های ضد انقلاب و امپریالیسم بدان بستگی دارد.

در رابطه با یک چنین مسئولیت خطیر، برای هر ایرانی دلسوز انقلاب و نگران سرنوشت کشور خوانا خواه سوال هایی مطرح می شود:

تأیید ترکیب منحصر "اسلامی" مجلس - با وجود ناهمگنی طبقاتی که برخورد منافع و صف آرای نیروها را در مجلس و بیرون آن در پی خواهد داشت - خواهد توانست از عهده مسئولیت این لحظه تاریخی برآید؟

تا چه حد این مجلس اسلامی، برای بسیج همه نیروهای صدیق انقلابی در امر بازسازی کشور و خنثی کردن تحریکات و دسیسه های امپریالیسم و ضد انقلاب، خواهد توانست به وحدت ملی تحقق بخشد و از دانش کارایی و توان سازمانی گرایش های دیگر سود جوید و زمینه را برای همکاری صادقانه همگان فراهم سازد؟  
بقیه در صفحه ۸

### اجلاس صلح در بودا پست

روزهای هشتم و نهم بودا پست، ماه مه سال هیجدهم تا بیستم اردیبهشت ۱۳۵۹ - هیئت رئیسه شورای جهانی صلح اجلاس در ریایتخت مجارستان داشت. هدف از آن بررسی سیاست تشنج آفرینی، حادثه سازی و زمینه چینی روحی و تبلیغاتی برای جنگ از سوی ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو ناتو متوجه صلح جهانی است. در این اجلاس درباره نقاط بحرانی جهان، مانند اروپای باختری که موشک های هسته ای جدید آمریکا باید در آن مستقر شود، ایران که آماج توطئه ها و تهاجم هوایی آمریکا است، حوزه دریای کارائیب که در آن آمریکا به تهدید ضمنی یا آشکار کوبا و نیکاراگوا پرداخته و امرود اخلی سالواد و روگواتمالا برای بستن راه رهایی بمرمدمد خالت می کند، و همچنین افغانستان که در معرض دست اندازیهایی مسلحانه و تبلیغات زهرآگین به تشویق آمریکا و چین و پاکستان است، مذاکرات مشروحی صورت گرفت. جمعیت ایرانی هواداران صلح و نماینده مه بودا پست اعزام داشت. در سخنرانی نماینده ایران که به گرمی مورد تأیید قرار گرفت، ضمن اشاره به حمله راهزنانه هوایی اخیر آمریکا که خوشبختانه با شکست رسوائی روبرو گشت، و همچنین محکوم کردن سیاست توطئه سازی و باجگیری و محاصره بازرگان - نی و اقتصاد ای آمریکا که مورد پشتیبانی دیگر اهزانان دنیای سرمایه - انحصاری هست، بویژه بر جنبه عام خطری که تمرکز نیروی دریائی و هوایی آمریکا در آب های اقیانوس هند و خلیج فارس متوجه صلح جهانی می کند تأکید شد. از جمله رسایان این سخنرانی آمد ما است:

"خطری واقعی و سراسری بر جهان سایه افکند ما است، که از سیاست امپریالیسم آمریکا و متحدان و همدستانش ناشی می شود و باید به وجهی هرچه پیگیرتر و گسترده تر با آن مقابله کرد. برای متوقف ساختن مسابقه دیوانهوار نیروی جنگی که امپریالیسم آمریکا می خواهد بر بشریت تحمیل کند، نیروهای خواستار بقیه در صفحه ۸"

#### در صفحات بعد

- باقی مانده های سندیکائی
- شعر
- آنگاه تو جان او سوختی
- وصف حال انبوه تار و پود
- تحولان اجتماعی در جامعه
- هوشی بزرگ
- نویسنده: شهرت، آسان
- ترجمه: ناصر
- همروابط آن نهاد دیگر است
- آگاهی اجتماعی
- آسان

### سرمایه داری و جهان در راه رشد

لزوم زمین برداشتن بقایای استعمار سلطه امپریالیستی یکی از مهمترین مسائل عصر ما است. عقب ماندگی عمیق اقتصادی کشورهای در راه رشد از بدترین بقایای دوران استعمار است. کشورهای که رگدشته مستعمره و نیمه مستعمره بودند، اکنون پس از رهایی از یوغ امپریالیسم و کسب استقلال ملی در جهت تثبیت و تحکیم آن مبارزه می کنند. این کشورها در پیوند اقتصاد با سیستم جهانی سرمایه داری در وضع نابرابری قرار دارند.

این عقب ماندگی به هیچ وجه محصول بعضی زیگزاگ های اتفاقی در روند تاریخی نیست، بلکه نتیجه منطقی استقرار روند سیستم جهانی استعمار سرمایه داری است. البته شکاف های قابل ملاحظه بین سطوح رشد اجتماعی - اقتصادی و تفاوت نسبی - العاده این سطوح در شکل بندی های پیش از سرمایه داری وجود داشت، اما همانطور که لنین تصریح نموده این سرمایه داری است که کشورها را به تعداد کوچکی از ملت های مستعمر، امپریالیستی که از همه حقوق و امتیازات برخوردارند و اکثریت عظیم ملت های ستم کش وابسته یا نیم وابسته که در شرایط زیر دست بودن قانونی قرار دارند، تقسیم نمود ما است (۱)

بنابراین، پیدایش و توسعه شکاف عظیم بین مراکز امپریالیستی و حاشیه های صنعتی شان که تولید کنند کالاهای کشاورزی و مواد اولیه بودند، امر عینی ناگزیری بود. شکاف اقتصادی بویژه در مرحله رشد سرمایه داری انحصاری، هنگامیکه سلطه سرمایه مالی قدرت های امپریالیستی در اقتصاد و سیاست جهانی برقرار میگردد، عمیق تر میشود.

ارقام زیرمیتوانند تصویری عمومی از مقیاس این شکاف در اواسط قرن در چارچوب سیستم جهانی سرمایه داری بدست دهند. البته، این شکاف پس از جنگ دوم جهانی بطور محسوس از جانب سوسیالیسم جهانی محدود شد.

بقیه در صفحه ۴

### تجربه تاریخی انقلاب ویتنام ترجمه جلال علوی نیا

جنبش انقلابی در کشورهای مستعمره و وابسته را غنا بخشید، و صحت آموزش هوشمندانانه لنین در باره امکان پیشروی به سوی سوسیالیسم از طریق دور زدن سرمایه داری را به اثبات رسانده است.



مردم ویتنام و دوستانشان در سرتاسر جهان سه رویداد پر اهمیت را در سال ۱۹۸۰ جشن می گیرند: پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ویتنام (سوم فوریه) و نمودن سالگشت تولد هوشی مین، رهبر کبیر خلق ویتنام (نوزدهم مه) و سی و پنجمین سال بنیانگذاری جمهوری دموکراتیک ویتنام که اکنون جمهوری سوسیالیستی ویتنام خوانده می شود (دوم سپتامبر).

دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام در قطع نامه مصوب فوریه ۱۹۷۹ خاطر نشان ساخته است: "این سه جشن بزرگ رویداد های مهمی در تاریخ ما بشمار میروند. این رویدادها الهام بخش حزب، خلق و ارتش ما هستند و به آنها یاری می دهند تا به کامیابی های عظیمی در زمینه ساختمان سوسیالیسم دست یابند. به دفاع از میهن سوسیالیستی برخیزند و وظیفه انترناسیونالیستی خود را با موفقیت به انجام برسانند."

این رویدادها که برای مردم ویتنام فراموش نشدنی هستند، برای جنبش انقلاب جهانی هم اهمیت وافردارند. مبارزه دلاورانه خلق ویتنام تئوری مارکسیست - لنینیستی



درس هشتم

### شکل های دولت

دولت به شکل های مختلف نمودار می شود . در نظام سرمایه داری فرانسه شکل های زیر تجربه شده است :

#### دموکراسی بورژوازی

دموکراسی بورژوازی شکلی از فرمانروائی دولتی طبقه سرمایه دار است . این شکل فرمانروائی می تواند بر حسب تناسب نیروها در بین طبقات مخصوصا " تناسب نیرو بین طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر متغیر باشد .

واقعیت مسلم این است که دموکراسی - حتی در شکل بورژوازی آن - برای طبقه کارگر اهمیت زیادی دارد .

وجود نهاد ها و آزادی های دموکراتیک ، مبارزات توده های خلق را آسان می سازد . شرکت در این مبارزات آگاهی طبقاتی زحمتکشان را گسترش می دهد و امکانات لازم را برای تأسیس و توسعه سازمان های کارگری و دموکراتیک ، بخصوص سندیکا های طبقاتی فراهم می آورد .

در آخرین تحلیل ، وجود و توسعه آزادی ها و حقوق در چنین نظامی به تناسب نیروها در بین طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار بستگی دارد .

البته ضمن توجه به اهمیت دموکراسی برای طبقه کارگر نباید از یاد برد که همواره برای سرمایه داران و بخصوص رهبران انحصارات این امکان وجود دارد که از دموکراسی

بمنفع خود استفاده نمایند . زیرا آنها مالکان وسائل تولید و ثروت ها هستند . از این رو ، فدراسیون عمومی کار فرانسه یک سلسله تدابیر معین سیاسی و اقتصادی مطرح ساخته که اگر به مرحله عمل درآید می تواند در محدود نمودن امپراتوری انحصارات و ناکام ساختن اقدامات ارتجاعی شان مؤثر واقع شود . بنابراین ، تنها از این راه می توان شرایط لازم را برای توسعه دموکراسی بوجود آورد .

#### پایه های فاشیسم وجود دارند

سرمایه داری بعلت ناتوانی در علیه بر تضاد های سرمایه محور همه آزادیها و حقوق دموکراتیک گرایش دارد .

این نظام بطرز چشمگیری وسایل سرکوبگرانه دولت ( ارتش پلیس و دادگستری ) را افزایش می دهد .

سرمایه بزرگ از کاربرد فاشیسم بکلی چشم پوشیده است . او از گروه های فاشیستی به منظور استفاده احتمالی از آنها هنگام اوج جنبش کارگری و دموکراتیک در کشور ما ( فرانسه ) نگاهداری و مراقبت بعمل می آورد .

بنابراین ، توسل به فاشیسم همچون یک امکان باقی می ماند .

فاشیسم عبارت از نفی مطلق دموکراسی بورژوازی است . فاشیسم دیکتاتور عینی سرمایه بزرگ است و بدین سان چهره اش را نمایان می سازد :

- محور آزادی های سندیکائی و دموکراتیک
- نابود کردن سازمان ها و احزاب کارگری
- محور سندیکاها ، لغو حق اعتصاب و غیره
- تشکیل سندیکا های فاشیستی و سازمان های دست - نشانده ( مخصوصا " سازمان های جوانان )
- هیچ انگاشتن بی سابقه موقعیت طبقه کارگر

پایه های فاشیسم وجود دارند و سرمایه بزرگ هیچگاه از کاربرد آن چشم پوشیده است

کنفدراسیون عمومی کار فرانسه ( ث . ژ . ت ) به سهم خود همواره بر ضد فاشیسم و فاشیستی کردن دولت مبارزه کرده است .

### نظام قدرت شخصی جمهوری پنجم

اکنون کشور ما با شکل ویژه ای از دولت که آن را شکل قدرت شخصی می نامند ، روبروست .

این قدرت شخصی در سال ۱۹۵۸ به نیروی ضربتی کاد رهای ارتش بوجود آمد و با پشتیبانی گروه های فاشیستی علیه جمهوری رهبری شد . استقرار نظام مذکور در پرتو ناسا - توانی ها و سیر قهرقرائی دموکراسی در جمهوری چهارم - تدارک دیده شد .

قدرت شخصی نماینده گروه های بزرگ مالی و صنعتی و انحصارات بزرگ است که غالباً " بطور مستقیم در حکومت نماینده دارند .

در قانون اساسی ۱۹۵۸ که ساختمان دولت را مشخص کرده و سازمان داده است حقوق اساسی دموکراتیک پایمال یا عمیقاً تحریف شده است .

قدرت ها تنها در دست یک فرد بنام رئیس جمهور متمرکز است . حق انتخاب وزراء و تنظیم مهم ترین مسائل بسا اوست . دولت یک ارگان اجرائی است . پارلمان ( مجلس ملی و سنا ) هیچ قدرتی ندارد .

در این مفهوم این یک نظام متکی به رئیس جمهور است پارلمان امکانات محدودی برای محکوم کردن دولت دارد .

رئیس جمهور حتی می تواند آن را منحل نماید . پارلمان نمی تواند از دستور او رو برتابد و در باره نشست هایش تصمیم بگیرد . نظارت مؤثر دولت و هزینه های عمومی در اختیار پارلمان قرار ندارد . پارلمان بطور اساسی از اختیاراتی که مشخصه دموکراسی است ، بی بهره است .

وانگهی ، شیوه جدید رای گیری و تقسیم حوزه های انتخابی آشکارا رای عمومی را نقض می کنند و عملاً قدرت را به حزب دولتی می سپارند .

ث . ژ . ت از ۱۹۵۸ بر ضد قدرت شخصی موضع گیری نمود و برای بازگشت دموکراسی به فرانسه به مبارزه پرداخت .

### قسمت دوم

## انقلاب علمی و فنی

#### فوق انحصارات

چند ملیتی ها بیش از پیش به دارندگان " اصلی قدرت های علمی و فنی سرمایه داری معاصر بدل می شوند . این پدیده برای منافع توده های زحمتکش و روابط بین المللی شوم و خطرناک است . علاوه بر این ، چند ملیتی ها در تشدید روند های بحران یک عامل تکمیلی به شمار میروند . قدرت عظیم اقتصادی و خود رانی آنان که در دهها کشور توسعه می یابد ، بی وقفه با سیاست دولتهای بورژوازی وارد تضاد می شود ، و غالباً " قوانین تنظیم اقتصادی را که این دولتها برقرار کرده اند ، نقض می کند و موقعیت های بحرانی غیرمنتظره ای در روابط بین المللی تولید و اقتصاد ، مخصوصاً در قلمرو پولی و مالی بوجود می آورد .

فوق انحصارات چند ملیتی صرفنظر از سایر کشورها خطر فزاینده ای برای استقلال ملی و اقتصادی خود کشورهای صنعتی سرمایه داری محسوب می شوند . آنها همچنین نیروی ضربتی استعمار نوی معاصر را تشکیل می دهند . اگر چه در سالهای اخیر بسیاری از مؤسسات معدنی خارجی در کشورهای های رهایی یافته ملی شده اند ، با وجود این ، مواضع انحصارات بین المللی هنوز در کشورهای مذکور بسیار نیرومند است . آنها روابط نزدیکی با محافل رهبری فنودال - بوروکراتیک و مخصوصاً بورژوازی مرتجع محلی برقرار میکنند . وضع ایران پیش از انقلاب در این مورد نمونه و آراست آنها مقدار بسیار زیادی از سهام را به مقامات محلی تخصیص می دهند تا آنها را به شرکای تابع خود بدل سازند . کمپلکس های انحصارگر بین المللی تلاش می و رزند تا روند صنعتی شدن کشورهای در راه رشد را به نظارت خود درآوردند و از آن به نفع خود استفاده کنند . انتقال تولیداتی که به نیروی کار و مواد معدنی زیاد نیازمندند و محیط زیست را آلوده می کنند ، به کشورهای در راه رشد ، روز به روز فزونی می یابد .

در عصر انقلاب علمی و فنی شکاف عظیمی بین سطح رشد اقتصادی کشورهای امپریالیستی و کشورهای در راه رشد بوجود آمده است . اگر در سالهای نخست پس از جنگ رابطه بین آنها در قلمرو تولید کل سرانه ۱ به ۱۰ بود ، در اواسط سالهای هفتاد به میزان ۱ به ۱۳ رسیده است . امپریالیسم با تمام قوا می کوشد حاشیه صنعتی پیشین

استعماری را در مدار تقسیم کار بین المللی سرمایه داری نگاهداری . بدین منظور ، انحصارات بین المللی به شعبه های خود در کشورهای نوپا " موریت داد هاند که در بخش های کاملاً " ویژه ای فعالیت کنند . از این رو ، شعبه های مذکور از حیث فنی شدیداً " به کمپانی های مادر وابسته اند . این " تئو کلو نیالیسم فنی " در راه آزادی کامل مواضع تازه ای ایجاد می کند .

در این شرایط نیاز به تغییر اساسی دموکراتیک در روابط اقتصادی بین المللی و برقراری نظم جدید اقتصادی بین المللی ایجاب می کند که قبل از هر چیز استراتژی امپریالیسم در توسعه فعالیت چند ملیتی ها و تضمین منافع آزمندان آنها در هم کوبیده شود . جامعه کشورهای سوسیالیستی جهان ، جنبش کارگری و جنبش های رهایی بخش ملی از این خواست عادلانه بطور جدی پشتیبانی می کنند .

#### تضادهای بین امپریالیستها

پیشرفت علمی و فنی همیشه عامل نابرابری در رشد اقتصادی کشورهای مختلف و در آخرین تحلیل یکی از محرک های مهم تضاد های بین امپریالیست ها بوده است . در حال حاضر ، دولتهای سرمایه داری مقدم بر هر چیز تلاش می و رزند از راه اتحاد بر ضد نیروهای سوسیالیسم ، جنبش کارگری و جنبش های رهایی بخش ملی بر این تضاد ها فایق آیند . ایالات متحده آمریکا ، محافل اروپای باختری و ژاپن برای نیل به این مقصود از روند های همپیوندی اقتصادی و سیاسی استفاده می کنند . گرایش به اصل مرکزیت در روابط بین المللی امپریالیسم در کوششی که برای گسترش " آتلانتیسم " و تحکیم بلوک سازمان پیمان آتلانتیک شمالی بعمل می آید ، به چشم می خورد .

با اینهمه ، تضادهایی که بین منافع اقتصادی و سیاسی کشورها و محافل مختلف در سیستم سرمایه داری وجود دارد ، ریشه کن نمی شود . ما اکنون با دوره جدید جنگ پولی ، تجارتنی و گمرکی " همه بر ضد همه " روبرو هستیم . در جریان این مبارزه ، مواضع ایالات متحده به بالنسبه ضعیف میشود . برتری صنعتی و مالی این کشور که هنوز عظیم است ، بطور محسوس کاهش می یابد . اما ایالات متحده به سیاست خود

در تجهیز سرمایه گذاری های کلان در خارج و بدست آوردن درآمد ها و سود های اضافی انحصاری بیشتر ادامه می دهد ایالات متحده از حیث نیروی عمده نظامی همچنان رهبری دنیای سرمایه داری را برعهده دارد .

یکی از نتایج انقلاب علمی و فنی افزایش ربحشتناک مصرف نفت است . این امر موجب شعله ور شدن مبارزه بسیار جدی برای دستیابی به منابع هیدروکربورها شده است . این نکته لازم به یاد آوری است که ایالات متحده با وجود داشتن منابع زیر زمینی نفت از اقدام بنیادی در بهره برداری زیاد از آنها خودداری می کند و می کوشد با مداخله در امور کشورهای خاور نزدیک ، آمریکای لاتین و سایر مناطق نفت مورد نیازش را از کشورهای دیگر تأمین کند . این روش " دیپلماسی نفتی " کنونی ایالات متحده را تشکیل می دهد .

چنانکه ملاحظه می شود ، تضاد های بین امپریالیست ها نابود نمی شود . انقلاب علمی و فنی با افزایش نابرابری در رشد کشورهای سرمایه داری و توسعه و تشدید تضادهای آنان در جنبه های معینی در شکل ها و اسلوب های واکنش محافل رهبری و رهبران دنیای سرمایه داری اثر میگذارد . بهر حال کوشش های آنان در ریشه کن کردن این تضاد ها و تغییر خصلت اقتصاد سرمایه داری که بحران های آن جنبه سرشتی و ماهیتی دارد ، کوشش های عبثی است . علیرغم پدید آمدن سیستم بین دولتی برای تنظیم روابط در جهان سرمایه داری و توسل به کنفرانس های دائمی و نشست های سران ، فروریختگی های اقتصادی و بحران عمومی سیستم سرمایه داری ادامه دارد . همه کوشش هایی که در جهت استفاده از امکانات انقلاب علمی و فنی برای پایان دادن این بحران ها بعمل آمده جز تعمیق هر چه بیشتر بیماری سرمایه داری نتیجه ای بیار نیاورده است .

#### نتایج اجتماعی

انقلاب علمی و فنی قطب بندی اجتماعی و طبقاتی جامعه سرمایه داری - چنانکه توسعه کار مزدوری شهادت میدهد - و افزایش طبقه کارگر را در پیشه های جدید که محصول تولید مدرن است تسریع کرده است . پرولتری کردن قشرهای متوسط و وابستگی آنان به انحصارات افزایش می یابد . بخش بزرگی قبیله در صفحه ۶

# نویسنده، شهروند، انسان،

نویسنده آنا تولی کالینن

خاطرات درخشانی دارم از نخستین دیدارم با میخائیل شولوخف. در سال ۱۹۳۸، ایامی که "دن آرام" را به پایان می رساند (۱) در "ویشنسکایا"، پیش از ملاقات با شولوخف، حضور او را حس کردم بپرزنی که به من شیر فروخت گفت: "گریگوری ملخوف" (۲) پسر خواهر من بود. فقط نامش پرمکوف بود. میخائیل راجع به او هر چیزی که میخواست پیدا کرد - همه آنچه می باید پیدا کرد - و در کتابش نوشت:

بزودی دریافتیم که همه اهالی ویشنسکایا مدعیند که با قهرمانان شولوخف نسبت نزدیک دارند. بی بر دم که گریگوری ملخوف برای یکی برادر است و دیگری هم بدش نمی آید او را داماد خود بدانند. "خواهران" و "اقوام" اکسینیا را ملاقات کردم. زن پاکیزه ای که در هتل کالخور کار می کرد، با قاطعیت گفت: "خب، من دختر دای آکسینیا هستم، می خواهید باور کنید یانه. او در سال ۱۹۲۰ از بیماری تیفوس مرد. هنگامیکه با یک کامیون، همراه رئیس یکی از کالخورهای دن علیا، به ویشنسکایا می آمدم، او اصرار می ورزید: "اما من جدی حرف می زنم. دایید وف، قهرمان اصلی زمین نوآباد را بخاطر دارید که میان دندانهایش شکاف وجود داشت؟ حالا نگاه کن..." برای اثبات حرفش دندان لب پریده، جلوی اشرا نشان داد. نخستین دیدار من از ویشنسکایا مصادف با بیماری نویسنده بود. او در حین ماهیگیری یا شکار به مالاریا مبتلا شده بود. موقعی که بیماری شدت یافت، شما می باید دیدید چه ولوله ای میان اهالی روستا بوجود آمد. بسیاری از اهالی ده به خانه نویسنده می آمدند و بنرمی در می زدند و از مادر یا همسروی می پرسیدند: "خب، امروز حال میخائیل چطور است؟"

بیماری شولوخف در منطقه دن، در کیتیه حزبی ناحیه و در تقاطع جوانان کلخور، بخشها برانگیخت. شولوخف که هنوز کاملاً بهبود نیافته بود، در حالیکه بر بستر خود نشسته و به پشتی تکیه داده بود، چپکی در دست داشت. او حریصانه اخبار مسکو را از دهان من بیرون می کشید.

داستان تازه منتشر شده ای از یک نویسنده جوان که درباره یکی از قهرمانان جنگ داخلی روسیه بود، با حرارت مورد بحث نقادان قرار گرفته بود. شولوخف ضمن اینکه شایستگی های داستان را، تأیید آمیز، تفسیر می کرد. بید رنگ نویسنده آن را مورد سرزنش قرار داد. نویسند در حالیکه توسط گزارشات و خاطرات شاهدان ماجرا حکم می کند، منش قهرمان داستان - یک رهبر برجسته پارتیزانی - را می توانست اندکی متفاوت تر از آنکه در داستانش هست، مصور کند. فانتزی، نویسنده را از حقیقت تاریخی اندکی بدور برده است. امکان دارد که این بر اثر آگاهی غیر کافی نسبت به کارمایه داستان بوده باشد.

شولوخف ابراز عقیده کرد: "متأسفانه این خطا را بسیاری از نویسندگان مرتکب می شوند." او توضیح داد که هر نویسنده ای از محیط خود قزاقها، روشنفکران، جوانان - باید شناخت صحیحی داشته باشد. شولوخف راجع به نویسندگانی که از هر چیز کفی می دانند، با لحن طعنه آمیزی گفت:

"چنین نویسندگانی روشنفکران را نمی شناسد... قضاوتش در باره نسل جوان بر اساس گفتگویش با دختر همسایه است... بالاخره او می باید از خودش بپرسد: راستی خود مانیم، من چه می دانم؟ راجع به چه چیز می توانم بنویسم؟"

شولوخف تأکید می کرد که برای چاپ زدن اثر خود نباید شتاب کرد، گرچه در آن زمان - در آن موقع اوسی و سه سال سن داشت - او دو مجموعه داستان، سه جلد از زمان "دن آرام" و جلد نخست "زمین نوآباد" را نوشته بود. اعضای خانوادهاش به من گفتند که شولوخف معمولاً برای نوشتن و باز نوشتن یک یا دو صفحه چند روز کار می کند. متن نوشته شده را چندین بار عوض می کند و غلیظ



همه این کوششها همچنان نسبت به متن نوشته شده نا راضی میماند و همه آن را از نومی نویسد:

در آن زمان او روی جلد چهارم "دن آرام" کار میکرد. از او سوال شد که عاقبت سرنوشت "گریگوری ملخوف" چه خواهد بود، او تبسم کرد و گفت: "نمی لیزد الان راجع به آن صحبت کنیم. بزودی داستان را تکمیل خواهم کرد." پرسیدم: "آیا اشخاص عمده داستان شما از روی نمونه اصلی گرفته شده؟"

او سوال مرا کاملاً ساده لوحانه پنداشت و گفت: "تصویر مردم، آنطور که می بینیم، غیر ممکن است. نه بدین سبب که آنان بی خونتر و مبهم تر از قهرمانان کتابها هستند بلکه بدین علت که نویسنده، اگر بشود گفت، برجسته ترین خصیصه های آدمهای گوناگون را گرد می آورد. آفرینش تیپها و شخصیتها، با همه فردیت و عدم شباهتشان به یکدیگر، یعنی به نمایش گذاردن خصیصه های عام محیط اجتماعی و کل مردم این محیط است، خصیصه های صورت حیالی (ایماژ) زمان است."

بیاد می آورم هنگامیکه دیدار دیگری با شولوخف در سال ۱۹۳۹ داشتم، این بحث ادامه پیدا کرد...

او در آن موقع سخت سرگرم بازخوانی نوشته هایش بود، مسیر قهرمانانش را گام به گام تعقیب می کرد و در جستجوی یک نتیجه منطقی برای سرنوشت آنان بود. شبهای طولانی بسیاری با گریگوری ملخوف تنها می ماند. کس چه میدانست او در آن شبهای زمستانی ویشنسکایا چه تصوراتی را به تامل از ذهن می گذراند! تنها یک پنجره تا سپیده دم، روشنایی بیرنگی را درون تاریکی انبوهی که این دهکده قزاقی را در خود فرو پوشانده بود، می افشاند.

هنگامیکه شولوخف فصول آخرین "دن آرام" را می نوشت نامه باران شد. خوانندگان بشدت ابراز نگرانی می کردند. یکی اصرار می ورزید: "بگذار گریگوری زنده بماند!"، دیگری تقاضا می کرد: "گریگوری باید میان زنده ها باقی بماند!" سومی می پرسید: "او به سرخها می پیوندد، نیست؟" و شولوخف، در حالیکه از پنجره به جنگلی که در طول دن گسترده بود می نگریست، می گفت:

"همه دوست دارند داستان پایانی ساده و راحت داشته باشد. اما اگر این پایان دلننگ کننده باشد چی؟ من تنها می توانم بگویم که پایان دن آرام، داوربهای مرافعه آمیز همراه می آورد."

\*\*\*\*\*

پس از جنگ، شولوخف ضمن سایر کارها، به آن فصول از کتاب "آنان برای میهن خویش رزمیدند" باز می گرد که شور و هواخواهی شدید نسبت به سربازان و افسران شوروی که در سنگر جنگیدند ابراز می کرد. و، بر حسب همه امارات و اشارات، طرح کتاب را غنی می سازد و محدود و های اثر را گسترش می دهد. البته، نویسنده تنها می تواند افتخار اثر جدید خود را تصویر کند. نمی توان حدس زد یا پیش بینی کرد که چه مسیر های دیگری را قهرمانان کتاب برخوانند گزیند...

شولوخف به ناحیه هایی که جنگ در آنها جریان داشته بود، سفر کرد. با کسانی که در نبرد استالینگراد شرکت داشتند ملاقات کرد، صحت مشاهدات، تاثرات و تجارب خود را در دوران جنگ، در برابر تجربیات آنانی که مستقیماً در حوادث بزرگ جنگ شرکت داشتند، بررسی کرد. او در کارخانه تراکتورسازی در گد رگا ههای ولگا و برجاده هایی که میان ولگا و دن گسترده بود، می توانستی ببینی. هنگامیکه آبراه ولگا - دن در حال ساختن بود از محل عملیات آن دیدار کرد. شولوخف می خواست جاهائی را که برای مردم شوروی آنچنان گرمای بود و نیز در شرف ناپدید شدن در

زیر آب بود (و مدت است که ناپدید شده اند) در خاطره خود حفظ کند.

بیاد می آورم که شولوخف، به سال ۱۹۵۲، بر فراز سد "تسیملیانسکایا" ایستاده است. قبلاً با بنا کنندگان سد که یکی از هم ولایتی های ویشنسکایا و در میان آنان بود، گفتگو کرده بود. کارگر همولایتی در لباس کار و نویسنده معروف جهان یکدیگر را در آغوش گرفتند و اشکهای مردانه افشانند.

بعداً، شولوخف، با سکوت، آب را نظاره کرد که گسترده می شد و مخزن "تسیملیانسکایا" را می انباشت. از آن پس دن در کتاب او چنان قدرتمندانه توصیف گردید که گفتی از پیش در بستر جدید خود روان بوده است. حصارهای دهکده و خانه های دهقانی را قزاقهایی که به مکانهای جدید نقل مکان می کردند، ترک کردند و گورهای قدیمی همگی زیر آب ماندند. استپ که از سم اسبان قزاقها و چرخهای تانکها شخم خورده بود در برابر چشمان مردم - به دریائی مبدل شد. همه علامت، همه چین و چروکها و نشان های آن از نظرها محو گردید...

\*\*\*\*\*

ویشنسکایا یک مرکز ادبی است، هم بدین خاطر که خانه نویسنده برجسته عصر ما در آن قرار دارد و همه سبب، گرچه ناشناخته، نفوذ دائم شولوخف بر زندگی خلاق میهنش و تحول ادبیات آن.

بندر در شوروی شهری هست که او بدان سفر نکرده باشد و در آنجا خوانندگان و نویسندگان آن ملاقات نکرده باشد. پس از هرچنین ملاقاتی شولوخف به ویشنسکایا باز می گردد. در اینجا او نویسندگان جوان و نه چندان جوان اهل مسکو، لنینگراد، تفلیس، یروان - نویسندگان همه نقاط کشور را بحضور می پذیرد. جریان گاهش ناپذیر است. نوشته های داستانها، افسانه ها و رمانها را می پذیرد - بعلاوه ۷۰ الی ۱۰۰ نامه و روزگه دریافت میدارد. اینها همه از جانب مردم شوروی و خارج از کشور می رسد. تقریباً هر نامه متضمن اعتراضات نگارنده نامه، داستانهای درباره سرنوشت پیچیده انسانی، درخواستی برای اندرز و حمایت است. شولوخف سردبیران مجلات ادبی مترجمین، آهنگسازان و فیلمسازان را به حضور میبذیرد. کارگردانان و بازیگران ویشنسکایا را عبادتگاهی ساخته اند. آنان با پیرهای ده درباره لباسهای قدیمی محلی، جشنهای عروسی و سبک زندگی، درباره اینکه قزاقها چگونه یکباره سبها و شوشکه های خود را تحویل دادند، راجع به اینکه چگونه صحبت میکنند و چه آوازهائی میخوانند، راهنمایی میخوانند.

یکبار گروهی از تاشران خارجی، بدینال آن، گروهی از نویسندگان ناحیه به اینجاست آمدند. شولوخف در سالن کنفرانس کمیته حزبی ناحیه ویشنسکایا مجلس دیداری برگزار کرد. بعد از آن، در خانه خود ش تا پاسی از شب گذشته، او درباره مسائل عمده ادبیات و زندگی با نویسندها به بحث پرداخت.

آفتاب نزده، زنی گاریچی اهل "ماکسایف" یا "لیبازو" که برای سوخت مزرعه اشتراکی اش ویاکالا برای مغازه روستائی شش به دهکده آمد، است، و نیز "کارشخصی" دارد. باد سته شلاق خود در خانه شولوخف را میگوید:

"میخائیل الکساندر رویچ" لطفاً میشود یک دقیقه بیرون بیایید؟ یک رسید مالیاتی دارم... رسید میخائیل الکساندر رویچ میاید بیرون، همراه من، رسید او را مطالعه میکند:

علاوه بر دیگر مسئولیتها، او نماینده شورای عالی اتحاد شوروی است. در عین حال، روی میز تحریر او دستنوشته اش منتظر نوبت است. اما او نمی تواند زن را منتظر نگهدارد. در همان موقع که به صحبت زن کلخوزی درباره مالیات گوش می دهد، مجبور است به خود فشار بیاورد تا کلماتی را - فقط کلمات - که ذهنش را در هنگام نوشتن اشغال کرده است، در خاطر نگه دارد.

اما دقیقاً مردمی نظیر همین زن گاریچی - هزاران نفر از همین مردم - که با اعتماد تمام در پیچه قلب خود را برای او می گشایند کمکشی کنند تا کلمات مناسب را بیابند. این همه، هم بسیار دشوار است و هم بسیار مربوط بیکدیگر، و وقت و نیرو می گیرد. امانیرو نیز می بخشد...

هرکس که اندکی دیر به دیر به ویشنسکایا بیاید بید رنگ تغییراتی را که در آن روی داده است می بیند. رشته یک پیل معلق با اطمینان از ساحل سمت راست به ساحل سمت بقیه در صفحه ۷

آیند نوکار دوسو شاعر معاصر اتکولاکه ده سال در زندان  
رژیم فاشیست برتقال بوده است

### وصف حال

این شعر سرود غم انگیزی می شد  
اگر سرود نش غیر ممکن نمی بود  
ود آن یافت می شد از هر رنگ  
اشکی که نمی تواند فروریزد  
ولی درد درون، چیزکی ناچیز  
د آفرینش ادبی بس بارور نیست  
درد و غم را در خود باید فرو خورد  
چه آن همه کار در جهان است  
ازین رو، آنچه از همه جاذب تراست  
زندگی من است که دریافت تار و پودش  
به برادرانم که تشنه جوشش اند پاسخ میدهد  
آوار گرد یانه، من همواره باید ایستاده  
به راه خود بروم خورشید آینده فراز سرم  
که من در خود می پرورم سازنده است  
۲۲/۲/۲۲

اردوگاه زندانیان تارافال

اخلاق، هنر - کیفیت و کمیت این اصول عام یکسان نیست  
این اصول در هنر بیش از دیگر گسترده های زندگی معنوی  
انسان اهمیت دارند

و جوه گوناگون زندگی و نیز عمدتترین خصلت های هر  
یک از دوره های رشد تاریخی انسان در مجموعه پیچیده  
شکل های آگاهی اجتماعی منعکس می گردد - هیچ یک از  
شکل های آگاهی اجتماعی به تنهایی نمی تواند گستردگی  
روابط و جلوه های متنوع زندگی را منعکس نماید - این شکل -  
ها در انزوا و جدا از یکدیگر متحول نمی شوند بلکه، در  
رابطه با هم است که تحول یکدیگر را غنا می بخشند - میان  
هنر و سایر شکل های ایدئولوژی روابط معینی برقرار است -  
زیبائی شناس مارکسیست - لنینیستی در عین حال که  
ویژگی های هنر را از نظر دور نمی دارد، هنر و سیاست،  
هنر و فلسفه، هنر و اخلاق را به یکدیگر پیوند می دهد -  
هنر بدون ارتباط و نزدیکی با دیگر شکل های ایدئولوژی -  
نمی تواند رسالت اجتماعی خود را انجام دهد - در زیر به  
بررسی پاره ای از مهم ترین پیوند ها و روابط موجود میان  
هنر و دیگر اشکال ایدئولوژی می پردازیم - ادامه دارد

مولده سرمایه داری در سالهای ۲۰ به ویژه در رابطه با  
بحران اقتصادی جهانی پس از جنگ که یکی از مخرب ترین  
بحران های تاریخ است، چهره می نماید

جدول شماره ۱  
نرخ رشد متوسط سالیانه تولید ناخالص ملی، جمعیت،  
تولید ناخالص ملی سرانه کشورهای سرمایه داری و کشورهای  
در راه رشد (به %)

گروه کشورها	۱۹۵۰-۱۹۶۰	۱۹۶۰-۱۹۷۰	۱۹۷۰-۱۹۷۵*
کشورهای سرمایه داری*	۴٫۱	۴٫۹	۳٫۴
کشورهای در راه رشد	۴٫۷	۵٫۳	۵٫۷
جمعیت			
کشورهای سرمایه داری*	۱٫۲	۱٫۱	۰٫۹
کشورهای در راه رشد	۲٫۲	۲٫۵	۲٫۶
تولید ناخالص ملی سرانه			
کشورهای سرمایه داری*	۲٫۹	۳٫۸	۲٫۵
کشورهای در راه رشد	۲٫۴	۲٫۶	۳٫۱
کشورهای آمریکای لاتین	۲٫۵	۲٫۸	۳٫۲
کشورهای آفریقا	۲٫۰	۲٫۲	۲٫۰
کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا	۲٫۱	۲٫۳	۲٫۴
کشورهای خاور نزدیک و میانه	۲٫۸	۴٫۲	۶٫۲

\* کشورهای آمریکای شمالی ( ایالات متحده آمریکا، کانادا)  
اروپای باختری، ژاپن، استرالیا، زلاند نو، جمهوری  
آفریقای جنوبی و اسرائیل  
\* سالنامه آمار سازمان ملل و بولتن ماهانه آمار برای سال  
های مربوطه - ادامه دارد

## هنر و ارتباط آن با دیگر اشکال آگاهی اجتماعی

عضوی وجود دارد  
در آثار کلاسیک فلسفه علمی، هنر همیشه از نظر ارزش،  
هنری مورد توجه بوده و ارزیابی ایدئولوژیک و زیبایی شنا -  
سانه پدیدهای تصویر شده در آثار هنری از طریق تجزیه  
و تحلیل خود آثار هنری صورت گرفته است - هنگامیکه  
لنین آثار نویسنده بزرگ تولستوی را آئینه انقلاب روسیه  
می نامد در حقیقت بر خصلت ارزش گذار هنر تولستوی تاکید  
نموده و آن را ارزیابی می کند - نوشته های لنین در باره  
تولستوی نمونه ای از کاربرد نظریه ارتباط در تجزیه و تحلیل  
یک پدیده مشخص هنری اند - در این نوشته ها جنبه  
ارزش شناسانه، در آمیزش دو عنصر " آئینه " و " انقلاب روسیه  
متجلی می گردد

ارزش های معنوی مبین اهداف و آرمان های مردم اند  
در یک جامعه طبقاتی، هنر آن دسته از ارزش های معنوی  
و زیبایی شناسانه را بیان می کند که در بالا بردن آگاهی  
اجتماعی طبقات معینی نقش داشته و در جریان مبارزه طبقا -  
تی از منافع این طبقات حمایت نمایند - هنر از درجه منافع  
طبقاتی واقعیت را منعکس می کند : منافع طبقه ای را بیان و  
از آن دفاع می کند - کارکرد ایدئولوژیک هنر در این  
حقیقت نهفته است

با آنکه فلسفه علمی بر ریشه های تاریخی و طبقاتی هنر  
تاکید می ورزد، هیچگاه آنرا از قلمرو آن دسته از ارزش های  
ثابت که در میان تمام انسانها مشترکند جدا نمی سازد -  
مثلا هنگامیکه پلخانف می گوید موسیقی اسکریابین  
" بیان عصر او بوسیله اصوات است "  
بی درنگ می افزاید " وقتی که موقتی و گذرا در آثار یک  
هنرمند بزرگ به بیان در می آید، اهمیت جاودانی یافته  
و تغییر ناپذیر می شود " - به این ترتیب پلخانف هم  
اثر این هنرمند برجسته را ارزیابی می کند و هم اندیشه ای  
عام تر را بیان می دارد که برای فهم هنر به عنوان پدیده ای  
اجتماعی و تاریخی اهمیت بسزا دارد

آگاهی اجتماعی تنها به این معنا نیست که اندیشه ها -  
ئی به زمان و شکل بندی های اجتماعی معینی متعلق  
باشند - رشد آگاهی اجتماعی از اصولی " ثابت و ابدی "  
پیروی می کند که به رشد معنوی انسان استمرار و تداوم می -  
بخشند - در اشکال گوناگون آگاهی اجتماعی - فلسفه،

ما که مبتنی بر آمار سازمان ملل متحد است، حجم کل تولید  
ناخالص ملی کشورهای در راه رشد در اندکی بیش از ربع  
قرن ( ۱۹۲۸ - ۱۹۵۰ ) تقریبا، ۴۱ بار افزایش یافته  
است، در صورتیکه این افزایش برای کشورهای سرمایه داری  
فقط ۳ بار بوده است

هر چند گرایش مورد اشاره با همان نیرو در گروه های  
مختلف کشورهای نوپا نمودار نگردد، اما تنها برای مجموع  
نظام های دنیای در راه رشد جنبه نمونه وار دارد - در دوره  
مورد نظر حجم تولید ناخالص کالاها و خدمات در آمریکای  
لاتین تقریبا ۴۶ برابر، در کشورهای رهایی یافته جنوب  
شرقی آسیا ۳۵ برابر، در آفریقا ۳۴ برابر، در خاور  
نزدیک و میانه ۶۸ برابر افزایش یافته است - نتیجه اینکه  
سهم کشورهای در راه رشد در تولید ناخالص ملی اقتصاد  
جهانی سرمایه داری پس از جنگ از ۱۴٫۵٪ اوایل دهه  
۵۰ به ۱۸ درصد در پایان دهه ۱۹۷۰ رسیده است

این تحولات بیانگر آنست که در شرایط فریاد سیستم  
استعماری امپریالیسم گرایشی در جهت کم شدن فاصله شا -  
خص های مطلق محصول کلی شکل گرفته است - در عین حال  
ضمن مقایسه سطح رشد اقتصادی، ضرورت دارد که پویایی  
و حجم تولید سرانه در نظر گرفته شود - جدول شماره ۱  
نمایشگر تغییر تناسب آهنگ های رشد تولید ناخالص ملی در  
کشورهای سرمایه داری و کشورهای در راه رشد در رابطه با  
افزایش تعداد جمعیت نسبی شان است

داده های جدول زیر در جای نخست نشان می دهد  
کنفرا ترفتن آهنگ های رشد تولید کلی در کشورهای در راه رشد  
در مقایسه با کشورهای سرمایه داری نه تنها در یک دوره -  
مفروض بلکه در تمام دوره های پس از جنگ نمایشگر خط متمایزی  
است : البته اگر در سالهای ۵۰ و ۶۰ این پیش افتادن نا -  
چیز بود، در دهه بعدی ( یعنی دهه هفتاد ) خطوط  
کاملا مشخص را ترسیم می کند - این امر نه تنها در گرایش  
فعالیت دراز مدت برای افزایش پویایی رشد اقتصادی بسیا -  
ری از کشورهای حاشیه پیشین صنعتی استعماری امپریا -  
لیسم، بلکه همچنین در کاهش محسوس نرخ رشد نیروهای

به منظور تعریف ماهیت اجتماعی هنر نه تنها باید موضوع  
و وسایل بازتاب را مشخص کرد ( جنبه شناخت شناسانه  
هنر )، بلکه باید جایگاه و نقش هنر را در زندگی اجتماعی  
معین نمود، در این رابطه باید به شناخت آن دسته از نیاز  
ها و منافع اجتماعی روی آورد که روشنگری در باره جنبه  
جامعه شناسانه ماهیت هنر و تمیز دادن این نکته که هنر  
در برگیرنده ایدئولوژی مشخص است، خود مکمل تلاش  
در جهت بی بردن به ماهیت هنر از نظر شناخت شناسی و  
هنر به عنوان بازتاب هستی اجتماعی است - طی این تلاش  
است که نقش فعال فاعل بازتاب در روند آفرینش هنری، با  
عمق و غنای ویژه ای روشن می گردد - نتیجه آمیزش تمام این  
عوامل با یکدیگر شیوهی ارزش شناسی در تحلیل هنر است -  
به نظر پاره ای از صاحب نظران وجه مشخصه بازتاب  
هنری ( در مقابله با بازتاب علمی ) در این واقعیت نهفته  
است که بازتاب هنری در جریان قریب سازی پدیدها به  
شیوه ای جانبدار و ارزش گذار عمل می کند - با این حال،  
این شیوه به هیچ وجه تنها مختص قریب سازی هنری نیست،  
بلکه روند شناخت علمی را نیز در بر می گیرد - بنا بر این،  
برای تشخیص ویژگی های شناخت هنری باید ماهیت ارزش  
هنری را روشن نمود - در این رابطه ما میان ارزش گذاری -  
یک پدیده واقعی توسط هنر با ارزیابی هنر به عنوان یک  
ارزش هنری تمایز می نهیم

هنگام مطالعه ماهیت هنر، بررسی ارزش شناسانه آن -  
ضروری است، نه به این علت که مفهوم " بازتاب " به خودی  
خود تهی از پویایی و آفرینندگی است، بلکه کاملا برعکس :  
ماهیت پویای بازتاب ما را برمی انگیزد تا اصل ارزش  
شناسی را به عنوان بخش جدائی ناپذیر روند شناخت هنری  
از نظر تئوریک مطالعه و بررسی کنیم

باید توجه داشت که در آثار برخی از هواداران ارزش  
شناسی هنر، مفاهیمی از قبیل " ارزش هنری " و " حقیقت -  
هنری " از یکدیگر جدا شده و در مقابل هم قرار می گیرند -  
در نتیجه " حقیقت هنری " مفهومی غیر اساسی تلقی می شود  
که به اندازه " ارزش هنری " اهمیت ندارد - بهر صورت،  
شیوه بررسی ارزش شناسانه هنر فقط هنگامی سودمند است  
که در مقابل شیوه شناخت شناسانه قرار نگرفته و این حقیقت  
را بپذیرد که میان " شناخت " و " ارزش گذاری " پیوندی

### بقیه: سرمایه داری...

در سالهای نخست پس از جنگ، کشورهای پیشرفته سرمایه -  
داری بیش از شش هفتم کل تولید کالاها و خدمات جهان غیر سو -  
سیالیستی را در دست داشتند : در حالی که سهم بقیه کشورهای  
این اردوگاه کمتر از یک هفتم بود - اما از آنجا که جمعیت کشورهای  
در راه رشد بیش از دو برابر کشورهای پیشرفته سرمایه داری بود؛ شکار  
در زمینه تولید ناخالص سرانه قابل ملاحظه بود - یعنی به نسبت  
د مبریک به نفع مراکز عمده سرمایه داری بود -  
این بررسی کلی تر از نامای ارزش استعماری سیستم جهانی  
سرمایه داری در یک دوره طولانی است -  
گرایش های رشد در دوران پس از جنگ

دهه های اخیر نمایشگر تغییرات چشمگیر ساختار پویایی  
تولید اجتماعی و گروه کشورهای عمده جهان غیر سوسیالیست  
است - در هر یک از این دو گروه رزمینه آهنگ ها و مقیاس رشد  
تولید بر حسب کشورها، مناطق و شاخه های کلیدی اقتصاد ملی  
وجه تمایز آشکاری به چشم می خورد - این امر به تشدید رشد بی قاعده  
نیروهای تولیدی در مراکز حاشیه صنعتی سابق استعماری  
سرمایه داری کمک نموده است - حال این سوال پیش می آید که  
یک چنین رشدی در شکاف اقتصادی موجود بین آنها چه  
تأثیری دارد : آیا در شرایط تاریخی کنونی آن را کاهش  
می دهد یا موجب توسعه آن می شود ؟

برای پاسخ گفتن به این سوال که برای درک بسیاری  
از مسائل بین المللی عصر ما و بخصوص فهم مکانیسم بحران  
ساختار استعماری اقتصاد جهانی سرمایه داری اهمیت  
اساسی دارد، مقایسه دینامیسم های محصولات کل هر گروه  
از کشورهای مفروض ضرورت پیدا می کند - این مقایسه نشان  
می دهد که در تلاش برای کسب استقلال سیاسی و تحکیم  
استقلال دولتی مجموع کشورهای در راه رشد نسبت به نیمه  
اول قرن بیستم از افزایش آهنگ رشد اقتصادی قابل ملاحظه  
ای برخوردار بوده اند - در مجموع آنها حتی اندکی از نرخ  
رشد کلی کشورهای سرمایه داری فراتر رفتند - طبق ارزیابی

## بقیه تجربه تاریخی انقلاب ویتنام

جنبش آزاد بیخشم ملی در اوائل قرن بیستم در سرتا سر ویتنام گسترش یافت و این زمانی بود که طبقه کارگر این کشور که بطور عمده در بنگاههای خارجی متمرکز شده بود، سر بر می آورد. هنگامیکه بورژوازی ملی در ویتنام شکل میگرفت، طبقه کارگر این کشور به نیروی سیاسی نسبتاً نیرومندی تبدیل شده بود که بعدها توانست در راه جنبش آزادی - بخش ملی و انقلابی کشور قرار گیرد. تا سیس حزب کمونیست هندوچین ( حزب کمونیست ویتنام در حال حاضر) در سال ۱۹۳۰ برای طبقه کارگر ویتنام بسیار با اهمیت بود و موجب شد تا آگاهی طبقاتی آن نضج بگیرد و سازماندهی آن بهبود یابد.

زحمتکشان ویتنام در طول جنگ دوم جهانی که هندو - چین به اشغال ژاپن درآمد، اسیر یوغ و گناهان شدند و جنبش آزاد بیخشم ملی کشور همچنان گسترش یافت و شتاب گرفت. حزب کمونیست ویتنام با توجه به این امر تصمیم گرفت تا فعالانه به تدارک قیام مسلحانه بپردازد. کلیه گروههای اجتماعی از جمله عناصر میهن پرست بورژوازی ملی بید رنگ به جنبش انقلابی پیوستند.

جنبش انقلابی ویتنام حول محور تقویت اتحاد میان طبقه کارگر و دهقانان دور میزد. ایجاد، گسترش و تقویت جنبش اتحادی مورد توجه خاص لنین بود و او پیوسته تاکید میکرد که این اتحاد ضامن پیروزی مبارزه برای متحول ساختن جامعه در جهت سوسیالیسم و غلبه پرولتاریا بر سرمایه است.

حزب کمونیست هندوچین موفق شد در کشوری که عقب ماند و مستعمره بود وحدت کارگران و دهقانان را تأمین کند و آنرا تحکیم بخشد و همین امر شرط اساسی داخلی برای پیروزی انقلاب اوت ۱۹۴۵ بود.

کمونیستهای هندوچین بارها تأکید کردند که جنبش انقلابی ویتنام جزء لاینفک جنبش انقلاب جهانی است و صرفاً در ارتباط نزدیک با آن می تواند به پیروزی برسد. انقلاب ویتنام ثابت کرد که اتحاد طبقه کارگر و دهقانان آگاه به نیروی شکست ناپذیری تبدیل میشود که در چارچوب ملی محبوس نگردد. بلکه با جنبش انقلابی جهانی درهم آمیزد و مبارزه توده های مردم ( عمدتاً دهقانان) در کشورهای مستعمره و وابسته بر پایه وحدت با طبقه کارگر بین المللی و نظام سوسیالیسم صورت گیرد.

بعد از انقلاب اوت، زحمتکشان جمهوری دمکراتیک ویتنام تحت رهبری حزب خود ( که در کنگره دوم آن در سال ۱۹۵۱ حزب کارگران ویتنام نامگذاری شد ) بر آن شدند تا بقایای نظام استعماری را محو کنند و نظام اجتماعی نوینی را برپا کنند. اما استعمارگران فرانسوی با براه انداختن جنگ تجاوزگرانه علیه جمهوری جوان در سال ۱۹۴۵، در کار مسالمت آمیز خلق ویتنام وقفه ایجاد کردند.

بهر تقدیر، مردم ویتنام جهت دفاع از دستاوردهای انقلاب بپا خاستند. تجاوزگران فرانسوی طی جنگی طولانی و خونین شکست فاحشی خوردند و در ژوئیه ۱۹۵۴ مجبور به امضای موافقتنامه های ژنو شدند. ویتنام شمالی کاملاً آزاد شد و صلح در این کشور برقرار گردید.

بعد از آزادی جمهوری دمکراتیک ویتنام، مردم این کشور در راه بنای سوسیالیسم گام نهادند. اما انقلاب ویتنام از آنجا که این سرزمین بر طبق موافقتنامه های ژنو به دو پاره تقسیم شده بود، همانطور که در سومین کنگره حزب کارگران ویتنام در سال ۱۹۶۰ هم خاطر نشان شد، دارای چندین ویژگی اساسی بود. در اسناد این کنگره آمده است:

" انقلاب سوسیالیستی در ویتنام شمالی زمانی صورت میگیرد که همه کوششها در جنوب باید صرف بسیج کلیه نیروهای ملی و دمکراتیک، بسط و تقویت همبستگی خلق و... تشدید مبارزه در راه تحکیم صلح و وحدت مجدد کشور شود. این ویژگی های انقلاب ویتنام تأثیر مشخص بر سیاست داخلی و خارجی حزب کمونیست ویتنام گذاشت که میکوشیدند تا همه مردم ویتنام جنوبی را به مبارزه جهت آزاد ساختن جنوب بکشانند و تمامی خلق را در تلاش به منظور نیل به اهداف مشترک ملی متحد گردانند.

به اعتقاد بنیانگذاران مارکسیسم - لنینیسم، شروع انقلاب سوسیالیستی در کشورهای عقب مانده آسان است، اما ادامه و به پایان رساندن آن بس دشوار. بعبارت دیگر این کشورها حتی با برخورداری از پشتیبانی پرولتاریای کشورهای پیشرفته، کندتر از کشورهای پیشرفته به سوی

سوسیالیسم حرکت می کنند، راهشان ناهموارتر و دشوارتر است و از مراحل انتقالی گوناگونی می گذرند.

حزب کمونیست و حکومت جمهوری دمکراتیک ویتنام در جریان بازسازی اقتصادی کشور و پیشروی به سوی سوسیالیسم با کلیه این مشکلات دست و پنجه نرم کرده اند. کوششهای بیدریغ طبقه کارگر، دهقانان زحمتکش و روشنفکران، به جمهوری دمکراتیک ویتنام امکان داد تا خود را بسرعت از شر عواقب وخیم استعمار برهاند و در عرصه های مختلف ساختمان سوسیالیسم به نتایج درخشانی دست یابد.

جنگی که امپریالیستهای ایالات متحده در سال ۱۹۶۵ علیه ویتنام برآوردند اختند و بعد ها دامنه آنرا تا لائوس و کامبوج گسترش دادند، حل مسائل مربوط به بنای سوسیالیسم را مشکلتر ساخت. حزب کارگران و حکومت ویتنام با توجه به دگرگونی وضع کشور، سیاست اقتصادی نوینی را مطلقاً بق با شرایط زمان جنگ تنظیم کردند. وظیفه ای که اینک در برابر کشور قرار داشت عبارت بود از تأمین کلیه نیازهای نظامی تا سرحد امکان و در عین حال جلوگیری از وخامت شدید وضع اقتصادی.

مبارزه خلق ویتنام بیش از هر چیز جنگ میهن پرستانه مقدسی بود که جمهوری دمکراتیک ویتنام آنرا وجهه همت خود قرار داد و هدف آن دفع تجاوز امپریالیسم بود. این مبارزه در ویتنام جنوبی از چارچوب جنگ آزاد بیخشم ملی علیه دشمن خارجی فراتر رفته ارتجاع داخلی را هم آماج ضربات خود قرار داد. بورژوازی بزرگ و محافظ فئودالی که می کوشیدند تا بیاری مداخله گران خارجی امتیازهای خود را کماکان حفظ کنند.

بطور قطع می توان گفت که پیروزی تاریخی خلق ویتنام نه تنها مرهون همبستگی و وحدت اخلاقی و سیاسی زحمت کشان جمهوری دمکراتیک ویتنام بود که از دستاوردهای سوسیالیستی خود دفاع می کردند، بلکه تا اندازه ای رهین سر مشق جمهوری دمکراتیک ویتنام و نفوذ دگرگون ساز کامیابیهای آن در زمینه ساختمان سوسیالیسم بر زحمتکشان ویتنام جنوبی بود.

مبارزه خلق ویتنام نشان داد که برای غلبه بر دشمن مشترک کلیه نیروهای مترقی جهان باید بسیج شوند و جنبش آزادیبخش ملی که یکی از سه نیروی عمده انقلابی عصر حاضر است فقط در صورتی می تواند پیروز شود که با جامعه سوسیالیستی و جنبش کارگری کشورهای سرمایه داری یگانگی پیدا کند. هوشی مین، رهبر خلق ویتنام می نویسد: " مارکسیسم - لنینیسم نشان داده است که جنبشهای ملی ( تا زمانی که حقیقتاً علیه امپریالیسم مبارزه می کنند ) بطور عینی به پیشبرد مبارزه عمومی انقلابی کمک می کنند و اینک مطالبات ملی و جنبشهای ملی را نباید بر اساس ماهیت محدود سیاسی و اجتماعی و محلی آنها، بلکه از روی نقشی که با توجه به نیروهای امپریالیسم بین المللی بازی می کنند، قضاوت کرد."

در خلال سالهای تجاوز امپریالیسم، بیکار همبستگی جهانی با میهن پرستان هندوچین به رهبری کشورهای سوسیالیستی دامنه وسیعی یافت و پدیده مهمی در سیاست جهانی شد و یکی از عوامل سیاست خارجی بود که به حصول پیروزی خلقهای ویتنام، لائوس و کامبوج یاری رسانید.

در این جنبش حزب لنینی اتحاد شوروی همبستگی برادرانه و ماهیت انترناسیونالیستی خود را بوضوح نشان داد. حزب کمونیست اتحاد شوروی در دو کنگره خود اطلاعیه های ویژه ای را به حمایت از خلقهای هندوچین به تصویب رساند. کنگره بیست و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی در خطابه های تحت عنوان صلح و آزادی از آن خلقهای هندوچین باد اکتفا کرد: " اتحاد شوروی تا آنجا که در توانش بوده در زمینه بنای سوسیالیسم، تقویت ظرفیت دفاعی و دفع تجاوزات امپریالیستی به جمهوری دمکراتیک ویتنام یاری رسانده و یاری می رساند و از جنبش آزاد بیخشم ویتنام جنوبی، لائوس و کامبوج که سهم عظیمی در استقرار صلح و استقلال خلقها دارد، قاطعانه و بیگیرانه جانبداری کرده است."

اتحاد شوروی علاوه بر مساعدت همه جانبه مادی، خاق های هندوچین را از حمایت فعالانه سیاسی و دیپلماتیک خود برخوردار ساخت و اعتبار و حیثیت بین المللی خویش را پشتوانه این حمایت قرار داد. در حال حاضر نیز، اتحاد شوروی به حمایت از ویتنام برادر در عزم خود مبنی بر مقاومت در برابر نقشه های توسعه طلبانه برتری جویان پکن برخاسته است.

حزب کمونیست اتحاد شوروی و دیگر احزاب برادر بارها اعلام کرده اند که پشتیبانی مؤثر از مبارزه خلق ویتنام در راه آزادی و استقلال متضمن اقدام مشترک کلیه کشورهای سوسیالیست است و در این راه گامهای مشخص برداشته اند. در تمام این سالها، مردم شوروی نقش فعالی در جنبش بین المللی همبستگی با خلقهای ویتنام، لائوس و کامبوج برعهده داشته اند و به ابتکار اتحاد شوروی حمایت از مبارزه این خلقها در ستور بحث مجامع گوناگون بین المللی قرار گرفته است.

اتحاد شوروی وسایر کشورهای سوسیالیست با کمک و یاری همه جانبه خود به ویتنام به مرلین گردن نهادند که معتقد بود خلقهای کمربندی برای رهائی از سلطه امپریالیسم میزنند، باید متحد نزد یک یکدیگر باشند. لنین موکد میگوید که هرگونه کوششی در جهت زیرآب زدن اشتراکات این وحدت، خیانت به مبارزه علیه امپریالیسم بین المللی است.

رهبران چین، اما، پیشنهادات مکرر احزاب کمونیست را در باره ضرورت وحدت عمل در زمینه کمک رسانی به ویتنام مبارز صریحاً رد کردند. کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در یازدهمین اجلاس پلنوم خود در سال ۱۹۶۶ تصریح کرد که مسئله عمل مشترک با حزب کمونیست اتحاد شوروی یا دیگر احزاب کمونیست نمیتواند مطرح باشد.

خلقهای رزمندگانه آزادی، بیغم تبلیغات امپریالیسم و مائوئیستهای تجربه خود و تجربه ویتنام آموخته اند که مساعدت اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و همکاری فعالانها این کشورها نه تنها عامل عمده کمک به تقویت و تحکیم استقلال کشورهای اروپا و شرق است، بلکه ضامن استوارموفقیت در مبارزه علیه توسعه طلبی از هر رقمی باشد. امپریالیستها، هرچند که مصمم هستند از کلیه امکانات موجود، از جمله سیاست برتری جویانه رهبران پکن که حمله غارتگرانه آنها به ویتنام در فوریه ۱۹۷۹ ابرایضایت آشکارا شنگن صورت گرفت، بهره برداری کنند، اما نمیتوانند این روند تاریخی را متوقف سازند.

مبارزه خلق ویتنام در ضمن یاری دیگر نقش مهم منحصر به فرد نیروی بسیجنده عمده در جنبش آزاد بیخشم ملی را آشکار ساخت. نیروی که به پیشرفته ترین تئوری انقلابی امروز مارکسیسم - لنینیسم مجهز است و در فعالیتهای خود از اصول انترناسیونالیسم - پرولتری تبعیت میکند.

ازاد ویتنام جنوبی در بهار ۱۹۷۵ او وحدت مجدد کشور در پی این واقعه، که نشانگر پیروزی تاریخی خلق ویتنام بود، حیثیت و اعتبار بین المللی ویتنام را بالا برد و موقع سوسیالیسم را در آسیای جنوب شرقی قوام بخشید. کامیابیهای خلق ویتنام و میهن پرستان لائوس و کامبوج و همبستگی گسترده خلقهای جهان با مبارزه آنها با زتاب نقش تابناک اتحاد تاریخی اردوگاه سوسیالیسم - نیروی عمده انقلابی عصر ما - و جنبش آزاد بیخشم ملی بود.

مردم ویتنام اکنون میکوشند تا وظایف پیچیده و بزرگی را به ثمر برسانند که کنگره چهارم حزب کمونیست ویتنام تعیین کرده است ( در این کنگره، حزب کارگران ویتنام، حزب کمونیست ویتنام نامگذاری شد ).

سیاست اقتصادی حزب کمونیست ویتنام در مرحله کنونی نه تنها مسائل کلی مربوط به ساختمان سوسیالیسم در قیاس ملی را شامل میشود، بلکه مسائل مربوط به اعاده به پیوند های تولیدی در برین و آسیب دیده میان دنیای نیمه کشور، عمیقتر کردن و گسترش دادن هرچه بیشتر پیوند ها را هم در بر میگیرد.

انجام موفقیت آمیز این وظیفه به حل بسیاری از مسائل اقتصاد و دیگریستگی دارد که توسط کنگره چهارم فرمول بندی شده است. در همین برنامه پنج ساله ( ۱۹۷۶ - ۱۹۸۰ ) اولین گام است در جهت حل این مسئله غامض، یعنی مسئله پیوند اقتصاد شمال و جنوب و ایجاد اقتصاد یکپارچه در چارچوب یک نظام واحد.

سیاست اقتصاد ویدون کوشش مداوم جهت بهبود مکانیسم مدیریت اقتصاد، اشکال و روشهای سازمان داری و عمدتاً تکرار نظام برنامه ریزی موفقیتی به دنبال نخواهد داشت. لاهد وان، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام، در گزارشی این کمیته به کنگره چهارم گفت: " در نظام ما، هرگونه فعالیت اقتصادی مبتنی بر برنامه است. در نتیجه، برنامه ریزی اقتصادی وظیفه بینهایت مهم اداره اقتصاد است. برنامه دولتی ابزار اصلی اداره اقتصاد و محرک نیرومندی است که رشد اقتصاد ملی را تسریع میکند."

ادغام و پاره کشورد یک ساخت اقتصاد و واحد مسائل تا زموغرنج فراوانی را برای حزب و حکومت جمهوری سوسیالیستی ویتنام مطرح ساخته است. یکی از این مسائل عبارت است از تعیین رهنمودهای اصلی برای رشد اقتصاد جنوب به ثاب.

## تجربه تاریخی ...

جز لا ینفک کل مجموعه اقتصاد ملی که پیوند های تولیدی تنگاتنگ و گوناگونی با شمال دارد .  
بطور کلی ، برغم میراث شوم بعد از جنگ و تجاوز یکس که لطمه های مادی فراوانی به ویتنام رسانده ، موفقیت های چشمگیری در حل همه این مسائل بدست آمده است . چندین بنگاه صنعتی جدید گشایش یافته است ، هزاران کیلو متر جاده ساخته شده ، کلیه خطوط حمل و نقل به طرز رضایت بخشی توسعه یافته و بسیاری از انواع جدید تولیدات صنعتی از جمله تجهیزات کامل برای بنگاه های کوچک ساخته شده است .

در سالهای اخیر ، فعالیت در خور توجهی در زمینه تجدید سازمان تولید و توزیع نیروی انسانی به منظور تضمین استفاده منطقی تر از آن و بهره گیری کاملتر از منابع طبیعی کشور در مسیر ساختمان سوسیالیسم صورت گرفته است . نتایج قابل ملاحظه ای نیز در امر تبدیل صنعت و تجارت سرمایه داری خصوصی به صنعت و تجارت سوسیالیستی و همینطور در زمینه تعاونی های کشاورزی در ویتنام جنوبی حاصل شده است .

دگرگونی های عمیق اجتماعی - اقتصادی که در جریان ساختمان سوسیالیسم در جمهوری سوسیالیستی ویتنام به اجرا در آمده راه را برای پیشرفت این کشور در مسیر سوسیالیسم و ارتقاء سطح زندگی مادی و فرهنگی زحمتکشان هموار می سازد . حل بسیاری از مسائل دشوار ناگزیر به زمان دراز نیاز دارد . هنوز دشواری های در امر تهیه مواد غذایی و ضروریات زندگی بچشم می خورد ، تسهیلات حمل و نقل هنوز برای رفع نیازهای روزافزون صنعت کفایت نمی کند و ... همانطور که در پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام در سپتامبر ۱۹۷۹ تأکید شد ، به این مسائل و دیگر مسائل مشابه توجه زیادی باید کرد .

بقیه

## انقلاب علمی و فنی

از روشنفکران بنا بر شرایط زندگی خود به طبقه کارگر نزدیک می شوند . به نوبه خود ، بسیاری از کارگران با کار روی ماشین های مدرن به سطح کار ذهنی اعتلا می یابند .

برای جهانیان امروز ثابت شده است که ادعای آرمان برد ازان بورژوا که بر حسب آن رشد اقتصادی بر اساس پیشرفت علمی و فنی نابرابری اجتماعی را از میان برداشته و فاصله درآمد ها را کاهش خواهد داد ، ادعای پوچ و بیهوده ای بوده است . چنانکه ملاحظه می شود ، عکس این روند اتفاق افتاده است . در حال حاضر ، درآمد های شرکت های سرمایه داری با ارقام نجومی با درآمدهای توده عظیم زحمتکشان فاصله دارد .

در نظام سرمایه داری ، انقلاب علمی و فنی توأم با تحکیم استثمار طبقه کارگر و همه زحمتکشان است . این استثمار شکل بیش از پیش متنوع و در عین حال پوشیده به خود می گیرد . استفاده از کار بگریج و آموزش یافته مضمون اساسی این استثمار است . برای معقوله کردن سرمایه داری به استقرار سازمان جدید کار و اسلوب های نو مبادرت می شود که نتیجه آن چیزی جز افزایش قابل ملاحظه بحران های جسمی ، عصبی و روانی نیست .

افزایش مزد ها معمولاً از افزایش بهره وری کار عقب تر است ، این گسیختگی در سالهای اخیر از هنگامی که انحصار رات فشار بر سطح زندگی زحمتکشان را با اعمال سیاست افزایش تولید و کاهش شغل ها شدت داده اند ، بطرز خاصی فزونی یافته است .

انقلاب علمی و فنی برای زحمتکشان نمودی جز بهم ریختن وضع اجتماعی و اقتصادی و نااستواری هر چه بیشتر شرایط زندگی ندارد . نکته اساسی در این جا بییکاری است . در اختلاف یا گذشته بیکاری امروز عملاً همه گروه های جمعیت و بخصوص جوانان را فرو می کوبد . فعال ترین بخش جمعیت مستعد کار پیش از اینکه شغلی یافته باشد به "نسل بی فایده" بدل می شود .

نمی توان این موضوع را در نظر نگرفت که در سالهای ۷۰ چرخشی در جهت تخریب وضع مادی زحمتکشان صورت گرفت که خیلی شدید تر از ربع اخیر بود . این وضع ازد و سو ، یکی بیکاری و دیگری ترقی قیمت هاء و خیم شد . به سبب ترقی قیمت ها و مالیات ها افزایش مزد واقعی متوقف شد و در چند کشور چون ایالات متحده و بریتانیای کبیر سطح آن بطور

مبارزه قهرمانانه خلق ویتنام و تجربه اش در حل مسائل حیاتی سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی توجه دقیق بسیاری از کشورهای آسیا ، آفریقا و آمریکا لاتین را به خود جلب کرده است . آنها به بررسی تجربه ویتنام و آندسته از عوامل داخلی و خارجی پرداخته اند که به مردم ویتنام امکان داد تا انقلاب اوت را به ثمر برسانند و دشمنان قدرتمند خود ، ابتدا ، استعمارگران فرانسوی و سپس امپریالیست های ایالات متحده را شکست دهند و توسعه طلبان چینی را پس بزنند . تجربه جمهوری سوسیالیستی ویتنام در عرصه ساختمان سوسیالیسم بسیاری از احزاب کمونیست و جنبش های آزادی بخش ملی در کشورهای رو به رشد را مدد می رساند .

منطقی ترین راه حل مسائل اقتصادی و سیاسی خود را بیابند . خوزه لاوا ، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین می نویسد : " برای ما کمونیستها ، بویژه ، کسانی که مانند کمونیست های کشور من ، در راه ایجاد تحولات ضد امپریالیسم لیستی و دمکراتیک ملی مبارزه می کنند ، تجربه حزب زحمت کشان ویتنام و انقلاب ویتنام بسیار جالب توجه است ."

تجربه حزب کمونیست ویتنام تجربه جمعی کشورهای سوسیالیستی را غنا می بخشد و بخوبی نشان می دهد که قوانین عمومی ساختمان سوسیالیسم را که در تئوری مارکسیسم - لنینیسم جمع بندی شده ، می توان در شرایط اجتماعی - سیاسی و اقتصادی متفاوت بکار گرفت .

هوشی مین ضمن اشاره به دشواری های ویتنام در زمینه بنای جامعه نوین می نویسد که " اصول مارکسیسم - لنینیسم در باره مسئله ملی - مستعمراتی در جریان مبارزه آزادی بخش خلق های خاور زمین ، که انقلاب اکثر محروم قطعاً آن شد و وجود اتحاد شوروی عامل عمده تاریخی رشد سریع آن گشت ، به ثبوت رسیده است ."

از همین رو تجربه ویتنام برای درک اصول و قوانین عمومی و ویژگی های رشد و گسترش جنبش انقلابی بطور کلی ، مطلق پائین آمد .  
انقلاب علمی و فنی موجب تشدید آنتاگونیسم های پیشین اجتماعی می شود و در عین حال آنتاگونیسم های جدیدی می آفریند . این انقلاب ، از یک سو ، نیاز های مادی و معنوی زحمتکشان را سریعاً افزایش داده ، کالاها و خدمات زیادی را وازد زندگی روزمره انسان میسازد و هزینه های زیادی را برای آموزش و مراقبت های پزشکی و استراحت ایجاد می کند ، از سوی دیگر ناگزیر تضاد بین نیاز های مبرم و درجه اجابت شان را شدت می دهد . علاوه بر این ، گونه هایی از مصرف بی فایده یا حتی مضر به منافع معقول انسان را به زحمتکشان تحمیل می کند . در عین حال ، نیاز های فزاینده خدمات ، چون مراقبت های پزشکی آموزش امنیت اجتماعی ، حمایت از محیط زیست ، سازماندهی زندگی شهری ، حمل و نقل ها ، استراحت و غیره چنانکه باید و شاید برآورده نمی شود .

اشاره به موضوعات دیگر نیز ضرورت دارد . به مقیاس بالا رفتن سطح سیاسی و فرهنگی زحمتکشان میزان شایستگی و گرایش آنان به کار خلاق و زندگی بهتر با مضمونی غنی تر افزایش می یابد . نارضایتی از خصلت و شرایط کار و بقاء آن در جامعه محصول دگرگونی های مذکور است .  
نا متعادل بودن نیاز های جدیدی که انقلاب علمی و فنی پدید آورده و اجابت بسیار محدود این نیازها آفت های سرمایه داری چون الکلیسم ، استعمال مواد مخدر ، جنایت و غیره را افزایش می دهند . علاوه بر این باید گفت که محافل و هبیری برای به بند کشیدن وجدان عمومی وسیعاً از تازه ترین دستاوردهای دانش و فن ، مخصوصاً از رسانه های گروهی که به وسایل مدرنی مجهزند ، استفاده کرده و از همین راه مکانیسم سرکوب مردم و کنترل پلیسی را بهبود می بخشند . این عوامل موجب تمرکز و بوروکراتیزه شدن قدرت سیاسی می گردد ، بحران و تباهی دموکراسی بورژوازی را شدت می دهد و خطر های تازه ای برای حقوق و آزادی های دموکراتیک بوجود می آورد .

## بین المللی شدن مبارزه طبقاتی : کام تازه

انقلاب علمی و فرهنگی تا بهر فزاینده ای در شرایط و خصلت مبارزه طبقاتی کار و سرمایه در مقیاس بین المللی دارد . مضمون این مبارزه بطور محسوس وسعت می گیرد و بیش از پیش خواست هایی چون حق شغل ، نظارت کارگری توسعه و مردمی کردن امنیت اجتماعی ، تعلیم و تربیت و بهداشت عمومی را شامل می شود . ما اکنون با تقسیم تازه نیروهای طبقاتی زبور هستیم . در عصر ما ، در برابر

برای ارزیابی وضع انقلابی و به همین اعتبار ، تشخیص ماهیت ذاتاً "انترناسیونالیستی هر جنبش حقیقتاً" انقلابی بسیار سودمند است .

آنچه در جمهوری سوسیالیستی ویتنام میگذرد و ماهیت آن ادغام ساختارهای اقتصادی متفاوت در دیواره کشور توأم با تقویت و گسترش بیشتر مناسبات تولیدی سوسیالیستی در شمال و پیدایش و استقرار آنها در جنوب است ، در تاریخ معاصر نظیر ندارد . این امروزیای کاملاً تازه ای را پیش پای حزب و حکومت ویتنام نهاد ه است . تجربه ویتنام نیز همچون تجربه دیگر کشورهای سوسیالیستی نشان میدهد که پیشرفت همه جانبه اقتصاد فقط در مسیر تکامل سوسیالیستی موثر است و اینکه تنها سوسیالیسم است که مورد مرا قادر میسازد تا بهر ای . اجتماعی و استقلال ملی و آزادی و دمکراسی نائل شوند . در نظام سوسیالیستی است که استثمار و ستم رخت برمی بندند و دوستی و همکاری و یاری متقابل زحمتکشان جایگزین آن میشود ، اغتشاش تولید سرمایه داری جای خود را بر رشد برنامه ریزی شده اقتصاد اجتماعی میدهد و اکثریت زحمتکشان که از حقوق سیاسی محروم بودند از قدرت واقعی برخوردار میشوند . سوسیالیسم تولید اجتماعی را با هدف اساساً نوینی هماهنگ میسازد و سرنوشت فرد را با تحولات اجتماعی و ترقی جامعه ببطور کلی ، پیوند میدهد .

مبارزه خلق های ویتنام و چین ، مردم آسیا ، آفریقا و آمریکا لاتین را مطمئن ساخته که آینده آنها در تقویت و گسترش همکاری با کشورهای سوسیالیستی است . مبارزه خلق ویتنام یقیناً نشان میدهد که اگر بنا باشد نیروهای جنگ طلب و ارتجاعی به زانود رأیند و ناگزیر از شناسائی حقوق اساسی ملی خلق ها گردند ، باید وحدت صمیمانه ای در میان کلیه نیروهای انقلابی و از همه مترد ر میان کشورهای جامعه سوسیالیستی برقرار گردد .

\*\*\*\*\*

\*\*\*

اولیگارشلی انحصارگر که بیش از پیش خصلت جهان وطنی کسب کرده ، بطور عینی طبقه کارگر بین المللی به عنوان نیرومند ترین ، آگاه ترین و سازمان یافته ترین نیروی ضد - انحصاری جهان و مرکز جذب وسیع ترین توده های زحمتکشیدی و فکری صف آرائی کرده است .

در عصر انقلاب علمی و فنی ، طبقه کارگر در زمینه تولید ، تکنیک و فرهنگ به درجه تازه ای از بلوغ و کمال اعتلا می یابد و برای مؤثر تر نمودن فعالیت های سیاسی جدیدی بدست می آورد . لنین در ۱۹۱۹ نوشت که طبقه کارگر " از حیث اقتصادی بر مرکز و عصب تمامی سیستم اقتصاد - دی سرمایه داری فرمانروائی دارد ." ( مجموعه آثار ، جلد ۳۰ ، صفحه ۲۸۱ ) . این گفته در شرایط امروز که انقلاب علمی و فنی به طرز چشمگیری رابطه بین حلقه زنجیر های اساسی سیستم اقتصادی سرمایه داری را تقویت نموده و مخصوصاً در مقیاس بین المللی به آن بی نظمی و ناموزونی بخشیده است ، بیش از هر زمان حقیقت دارد . مسائل هماهنگی جنبش اعتصابی و اشکال دیگر فعالیت زحمتکشان که در مؤسسه های چند ملیتی در کشورهای مختلف مشغول بکارند در دستور روز قرار گرفته است : یعنی فعالیت های علمی طبقه کارگر در مقیاس ملی و بین المللی سازمان داده می شود .

تجربه نبرد های طبقاتی سالهای اخیر به روشنی امکان - نات روز افزون طبقه کارگر را در مبارزه به خاطر منافع و حقوق حیاتی اش نشان می دهد . بر اساس این تجربه اولاً " سرمایه داری در مجموع خود ، در اختلاف با بحران - سالهای ۳۰ ، علیرغم افزایش بیکاری موفق نشده است . کویچکترین تردیدی در میان کارگران در استفاده از حربه اعتصاب بوجود آورد . ثانیاً ، در برخی کشورها ، طبقه کارگر با تکیه بر مبارزه ، کوشش های انحصارات و محافل رهبری را در کاهش محسوس و قابل ملاحظه دستمزدها و نابود ساختن دستاوردهای اجتماعی و سیاسی زحمتکشان ناکام ساخته است . این پیروزی ها خصوصاً نتیجه ساز - مان یابی و بیکار جویی فزاینده طبقه کارگر است . موقعیت جدید بین المللی که محصول کامیابی های سوسیالیسم واقعی است در این امر نقش ویژه ای دارد . پیشرفت مداوم سوسیالیسم بورژوازی را ناچار کرده است که در روابط خود با طبقه کارگر راه احتیاط در پیش گیرد و بنا به قاعده کلی دست به مانور بزند ، از رویارویی های مستقیم بپرهیزد و گاهی امتیازات معینی بدهد .

بقیه در صفحه ۷ \*\*\*\*\*

هوشنگ پورکریم

# تحولات اجتماعی در جامعه روستائی ایران

## از آغاز تا کنون (۳)

بقیه قسمت دوم:

### نخستین نتایج ناشی از تشکیل جوامع روستائی

دومین تقسیم بزرگ اجتماعی کار، یعنی تجزیه صنایع دستی از کشاورزی، چنان که شرح گذشت، در عین حال که خود همزمان با پیدایش ثروت فردی و "مبادلات" کم و بیش منظم بوقوع پیوسته بود، به تسجیل و انسجام این پدیده ها کمک کرد. چون متعاقب این تقسیم کار، به قول انگلس:

"... پیوسته سهم بیشتری از حاصل کار به آن

قسمتی از تولید اختصاص می یافت که به قصد مستقیم

مبادله تولید می شد و به همین لحاظ رشد مبادله

بین تولیدکنندگان منفرد (producteurs

individuels) به حد نیازی حیاتی برای جامعه

رسید" (۱)

به دیگر سخن، از این پس، چنان که با تحقیقات باستان شناسی در بقایای اجتماعات روستائی کهن ایران هم تأیید می شود، مبادله کالا برای این اجتماعات اجتناب ناپذیر بود. حتی مسلم است که این کالاها، از آنجائی که دیگر محصول کار مشترک اعضای طایفه نبود و به وسیله تولیدکنندگان منفرد از هم به وجود می آمد، به قول انگلس، "جنبه ثروت فردی داشت". وجود تعداد زیادی مهربد رین اشیاء مکشوفه از جوامع روستائی کهن ایران و از جمله "سیلک" و "شوش" و "نهایوند"، که به اواخر هزاره چهارم و نیمه اول هزاره سوم قبل از میلاد مربوط می شود، مؤید همین نکته است. این مهربها به منظور تشخیص و تمایز "ثروت فردی" این یا آن عضو جامعه به کار می آمدند. قدیم ترین چنین مهربهایی به صورت تکه های مخروطی که از سنگ تراشیده شده اند نقوشی از خطوط هندسی دارند (تصاویر شماره اول). ولی مهربهای جدیدتر، که عموماً استوانه ای اند، به شکل های انسان، حیوان، نباتات و به علائمی منقوش



تصاویر شماره اول -

مهربهایی با نقوش خطوط هندسی، مکشوفه از "نهایوند"، مربوط به ۳۳۰۰ تا ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد. اقتباس از اثر "آ. پوپ": "A survey of Persian Art" صفحه ۷۵

هستند که میتوان آنها را نشانه احتمالی معتقدات منسوب به "توتیمس" (۲) دانست (تصاویر شماره دوم). گذشته از پیدایش و تسجیل "ثروت فردی" و پیشرفت منسجم "مبادلات"، متعاقب "نخستین تقسیم بزرگ اجتماعی کار" و موازات "دومین تقسیم بزرگ اجتماعی کار"، روابط اجتماعی زن و مرد در جوامع روستائی ایران دستخوش تغییرات فاحشی شد که به واقعه ظهور "خانواده های پدرسالار" انجامید. در اینجا، به علت اهمیت اجتماعی مترتب برای این واقعه، حداقل از نظر کارشناسی توان چشم پوشی کرد، هر چند که تشریح و تفصیل آن مجال و میدان دیگری خواهد بود. مطلب از این قرار است که برتری زن بر مرد در خانواده، که البته ناشی از اشتغال زن به امور خانه داری و فرزند پروری بود، تا وقتی می توانست در وام بیاورد که فعالیت تولیدی مرد به منظور تأمین معاش در سطح نازلی از "بارآوری کار" قرار داشت؛ یعنی تا آن وقت که هنوز مرا حل مقدماتی تجربه های زراعت و دام پروری طی می شد. ولی هر قدر که این تجربه ها افزایش می یافت و ابزار فعالیت های تولیدی در دربار کارآمد ترمی شد و مخصوصاً از وقتی که با "دومین تقسیم بزرگ اجتماعی کار" مبادلات کالائی متکی به نقش فعالانه مرد انسجام بیشتری یافت، وضعیت متقابل زن و مرد کاملاً تغییر کرد. زیرا به قول انگلس:

"... اختصاص یافتن کارهای خانگی به زن

که پیش از این برتری او را بر مرد در داخل خانه

تأمین کرد، نبود، اکنون موجب می شد برای تأمین

تفوق مرد در خانه از این پس، فعالیت های

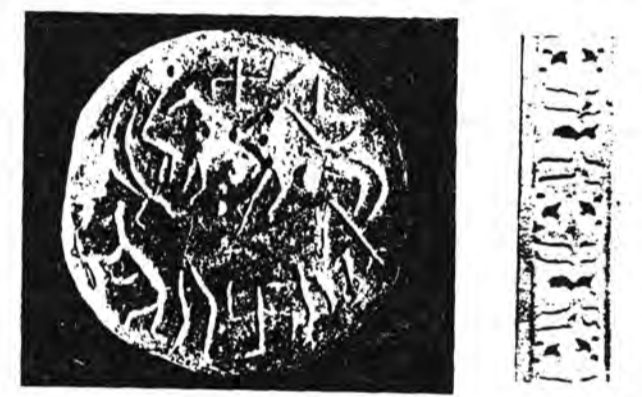


خانهداری زن، در مقایسه با کار تولیدی مرد،

چندان قدری نداشت" (۳)

درواقع، کارمرد محور اصلی تولید و موجب اساسی رشد شده بود. در صورتی که کار زن با جنبه تکمیلی و کم اهمیت خود به مقام فرعی تنزل یافته بود. در این حال، جامعه روستائی ترکیبی از "خانواده های پدرسالار" بود، که در عین همبستگی از لحاظ اقتصاد از یکدیگر مجزا بودند. ولی ترکیب شدن این خانواده های مجزا در واحد ده، چه به ملاحظه همبستگی و چه به ملاحظه برخی الزامات فنی تولید و چه به ملاحظه ضرورت تعاون اجتماعی و صیانت از هستی جامعه در برابر انواع مخاطرات امری لازمی بود. چنین واحدی را، آنطور که در اوستا هم ذکر شده است، لا اقل در برخی از مناطق ایران، "ویس" می نامیدند؛ واژه ای که در عین حال معنی عشیره یا طایفه هم از آن مستفاد می شود (۴).

سرپرستی "ویس" و اداره امور عمومی آن، طبق "نظام دودمانی"، از طرف "شورای طایفه" به عهده مردان مجرب



تصاویر شماره دوم -

مهربهایی با نقوش منسوب به علامت توتیمستی، مکشوفه از "شوش"، مربوط به ۳۳۰۰ تا ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد. اقتباس از اثر "آ. پوپ": "A survey of Persian Art" جلد هفتم، صفحات ۱۷ و ۷۵

واگذاری شد که "ویس پیتی" نامید می شدند (۵). "ویس پیتی" ها در آغاز از منتخب شورای طایفه، و تا مدت ها فقط دارای اختیارات محدودی بودند. ولی در شرایط اجتماعی متمرکزتر ریجی ثروت در "خانواده های پدرسالار" و گسترش "مبادلات کالائی" و تحقق پیشرفت در "تقسیم اجتماعی کار" به بسط اختیارات خود گرایش یافتند. تا به منزله اعیان و اشراف از امتیازاتی برخوردار شوند. ادامه دارد

## یادداشت ها:

- ۱- ف. انگلس: "منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت"، انتشارات سوسیال، پاریس، چاپ دوم، ۱۹۷۳، ص ۱۷۳
- ۲- "توتیمس" یا "توتیم پرستی" معتقدات مرد قبایل و اقوام رعبد شکارگری است. لغت نامه عمومی علوم انسانی، (انتشارات انبیاورسال، پاریس، ۱۹۷۳) تحت واژه "توتیمس" نوشته است: "آن تجسم ساطیری که گروهها با هویت منسوب به یک حیوان یا یک گیاه (توتیم) به موجب خود را از هم متمایز و موقعیتشان را نسبت به یکدیگر تعیین می کنند". سابقه وجود "توتیمس" در ایران نیز به دلیل نشانهای چند به تحقیق رسیده است.
- ۳- ف. انگلس: "منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت"، انتشارات سوسیال، پاریس، چاپ دوم، ۱۹۷۳، ص ۱۷۰
- ۴- در "لغت نامه د هخدا" زیر واژه "ویس" از جمله آمده

بقیه:

## انقلاب علمی و فنی

زندگی بشدت از بشریت می طلبد که از موقعیت خطرناک و بحرانی که بر اثر سوءاستفاده بورژوازی از ثمرات پیشرفت علمی و فنی پدید آمده است بیرون آید. از هم اکنون بید رنگ باید برای رهائی از این وضع دست به کار شد. جریان حوادث برای مسائل پدید آمده از انقلاب علمی و فنی راه حلی را پیشنهاد می کند که:

- پاسخگوی منافع حیاتی طبقه کارگر، زحمتکشان و توده های خلق باشد و به بهبود واقعی شرایط زندگی و کارشان کمک کند.

- چشم اندازهای تازه ای برای پیشرفت اجتماعی، گسترش و تحکیم دموکراسی و استقلال ملی دولتها باشد.

- امکانات لازم را برای طرد جنگ جهانی از زندگی جامعه فراهم آورد، مسابقه تسلیحاتی را متوقف سازد، صلح و امنیت خلقها را تحکیم نماید.

تنها با تکیه بر تئوری سوسیالیسم علمی و جهان بینی خلاق کارگری می توان این مسائل را بدرستی حل و فصل نمود. موضع گیری فعال در همبستگی بین المللی و نزدیکی منطقی جهانی به مبارزه مؤثر در راه حل این مسائل کمک می کنند. مسأله بسیار مهم تعقیب بی وقفه سیاست صلح و تشنج زدائی است. باید به سیاست استفاده از دستاورد های انقلاب علمی و فنی در جهت مسابقه تسلیحاتی و تدارک جنگ که موجودیت بشریت را به مخاطره می اندازد، خاتمه داد.

اکنون بشریت به چنان توان اقتصادی و سیاسی رسیده است که دیگر اجازه ندهد جهان خواران دنیا ی سرمایه و انحصارات غارتگر بین المللی از کار میلیون ها کارگر و نبوغ هزاران دانشمند و مهندس که در انقلاب علمی و فنی تبلور یافته به سود آزمندان خود و بر ضد تمام بشریت بهره برداری نمایند.

"پایان"

زیرنویس:

۱- مجموع صنایعی که به یک تولید مربوط میشوند

بقیه:

## نویسنده، شهروند، انسان

چپ کشیده شده است. دیوارهای ساختمان یک سینمای جدید بالا می رود، جاده جدیدی کشیده می شود. بالاخره شمال سرزمین دن از حالت اراضی جنگلی خارج می شود.

برای همه این تغییرات که بنفع مردم است کوششها و وقت گرانبهای او کمک عظیمی است. اما آنگاه، نویسنده بدون این آمیختگی روزانه خویش با مردم، بدون کوشش و بیم و امیدهای آنان و نیازهایشان، نمی تواند تصویری از خلاقیت و حتی نفس زندگی، در خود متصور سازد.

۱- دهکده قزاق نشین ویشنکایا (واقع در جنوب غربی قسمت اروپائی شوروی) محل اقامت دائمی شولوخف است. یادآوری کنم که اکثر وقایع "دن آرام" در این دهکده و مناطق اطراف آن می گذرد.

۲- قهرمان اصلی رمان "دن آرام"

است: "دراوستائی به معنی ده و قریه است. ده و طایفه و قبیله، میرویس یعنی بزرگ قبیله. در زمان ساسانیان شاهزادگان را ویسپهر (ویسپور) یعنی زاده خانواده بزرگ مینامیدند."

۵- در "یشت ها، گزارش پورد اوود" (جلد اول، چاپ دوم، تهران، ۱۳۴۷)، در بخش "فرهنگ لغات اوستا"، از ویس پیتی، معنی "بزرگ ده" و "ده خدا" داده شده است.

هفته نامه

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمود اعتمادزاده به آذین، تهران، خیابان سزاوار شماره ۱۸۹

تلفن ۶۴۴۳۸۴

کوپچات اوسوریو  
شاعر معاصر آنگولا

### آنگاه

آنگاه که نان  
بجای آنکه نان باشد  
چیزی جز آرد و نمک و آب  
واندکی خمیرمایه نخواهد بود ،  
آنگاه که نان  
بجای آنکه تعبیرادی  
یا آتشبازی اجتماعی  
یا خواست مردم رنجبر  
یا همانایک موضوع باشد ،  
آنگاه که نان  
خسته از نان بودن  
دیگر نخواهد که مسئله ای باشد ،  
آنگاه که نان  
چیزی جز آرد و نمک و آب  
واندکی خمیرمایه نخواهد بود ،  
آنگاه که نان غذائی خواهد بود و بس ،  
آنگاه که نان  
باعرق شادی و رزاد خواهد شد  
نه بارنج ،  
آنگاه که نان  
دیگر برای ثروتمندان فراوانی  
و برای تهیدستان نگرانی نخواهد بود ،  
آنگاه که نان  
به دست آدمی و برای آدمی ورز داده خواهد شد  
و برای همه به فراوانی ،  
آنگاه که نان ....  
آنگاه که نان خواهد بود و بس ،  
هیچ نه جز غذا  
همان نان و بس  
باید که چیزی پاک و نیرومند  
در روزگار سربرزند  
چیزی بیکران زیبا پرتوان  
چیزی فراتر از رو یا و اندیشه ؛  
همه خواهند دید که در روزگار  
انسانی سربرزده است  
که حقش را به نان خویش به دست آورده است .

### خبری

## از شورای نویسندگان و هنرمندان ایران

شاعر بلند پایه معاصر ایران ، مهدی اخوان ثالث ( م . امید ) ، طبق نامه مورخ ۲۲ اردیبهشت ۵۹ که در پایان این چند سطر به آگاهی دستداران ادب و هنر میرسد ، از عضویت در هیئت اجرائی شورای نویسندگان و هنرمندان ایران استعفا کرد .  
هیئت اجرائی شورا در نشست روز پنج شنبه بیست و پنجم اردیبهشت ۵۹ ، با اظهار تأسف از این کناره گیری ناچار به تصمیم ایشان گردن نهاد و برای تکمیل اعضای هیئت اجرائی شورا ، به ترتیب آرای بدست آمده در انتخابات آقای محمد زهری را به عنوان عضو اصلی و آقای علی مطیع را به عنوان عضو علی البدل هیئت اجرائی شورا معرفی و اعلام کرد .

نامه مهدی اخوان ثالث :

شورای نویسندگان و هنرمندان ایران  
با توجه به سابقه دوستی و آشنائی من با حضرات تشکیل دهنده این شورا و خاصه احترامی که برای آن چند نفر - متأسفانه - اخراج شده از کانون نویسندگان ایران قائل هستم و ارج و ارزشی که به کارهای فکری و ادبی و اجتماعی آن حضرات ( م . امید ، ه . سایه ، کسریایی ، تنکابنی و غیره ) می گذارم ، و همچنین با توجه به مراحل همکاری من در امضای بیاننامه شورا و انتشاراتی که در این خصوص بوده است ، می خواهم بدین وسیله مراتب نهایت سپاسگزاری خود را از این که در جلسه انتخابات شورا مرا هم به عنوان یکی از اعضای اصلی هیئت اجرائی شورا انتخاب کرد هاید ، ابراز دارم و ای کاش می توانستم و در من آن شور و نیرو می بود که مثل ایام جوانی فعالیت اجتماعی و شورائی و از این قبیل داشته باشم و با شما دوستان شورائی همکار می کنم . ولی از آنجا که چندی است روحیه ای عجیب پیدا کرده ام و حال و حوصله هیچ کار و فعالیت اجتماعی از این قبیل را ندارم ، خواهش می کنم مرا از کار در هیئت اجرائی شورا معذور دارید . ولی من باز هم خود را دور و بر کنار از شما نمی دانم و برای فعالیت شما احترام قائم و امیدوارم در کارهاتان موفق باشید . شاید بعد ها حال و حوصله کار و همکاری پیدا کنم ، وگرنه باز هم با شما معذورم دارید .

مهدی اخوان ثالث ( م . امید )  
۲۲ اردیبهشت ۵۹

### مجلس و ...

تا چه حد این مجلس خواهد توانست ، خالی از تعصب و غرور و خود بینی ، واقعیات سیاست ایران و جهان را به حساب آورد ، و با آگاهی برخط واقعی و الزامی حرکت نیروهای متضاد در سطح ایران و جهان ، برای زندگی حال و پیشرفت آینده ایران بهترین و عملی ترین رهنمود ها را تنظیم کند ؟  
تا چه حد این مجلس قادر به تشخیص خونسردانه دوست و دشمن خواهد بود و بیشتر از گفتار و لقلقه زبان به کردار توجه خواهد نمود ؟  
شک نیست که در جهان پر از درگیری و تضاد که خطر جنگ و نابودی بر فراز سرهاست ، ایران نمیتواند در همه جنبه ها بچنگد این کار به عقل راست نمی آید و نتیجه آن منزوی ماندن و در هم شکستن است . در برابر امپریالیسم جهانی - آمریکایی اروپایی باختری ، کانادا ، ژاپن ، استرالیا - که می خواهند اقتصاد ما را خفه کنند و رشد ملی ما را متوقف سازند ، به قلمرو حاکمیت ما تجاوز و می دارند و آشکارا تهدید به جنگ مان میکنند ایران باید دوستانی با همان قدرت داشته باشد . نمی توان بنام اسلام دست در دست پاکستان و عمان و عربستان سعودی و دیگران گذاشت که وابسته و مستشارند . آمریکا هستند و تجاوز آمریکا به ایران از بیگانه ها بی آن صورت گرفته است و می گیرد . نمی توان بنام اسلام و حمایت از یک مشت فتوال و غارتگر که صد ها هزار مرد مسلمان را آوار کرده اند ، پیش نهاد مذاکره با دولت همسایه برخاسته از انقلابی مشابه انقلاب ایران را که با همان دشمنانی روبرو است که ما هستیم رد کرد . با افغانستان انقلابی ما خواه ناخواه در یک صفیم . با کشورهای غیر متعهد مانند کوبا و سوریه و یمن و مکزیک و ویتنام و الجزایر و هندوستان و مادریک صفیم . با کشورهای اردوگاسوس و سیلیم در مقابل با آمریکا و متحدانش ، ما در یک صفیم . نمی توان این واقعیات ناگزیر جهان امروز را نادیده گرفت و بی رویا ها و اوها رفت . انقلاب و کارباز سازی پس از انقلاب هردو جدی است . خونها در راه آن ریخته شده است . احتمالاً هم تا زمانی که ضد انقلاب سرکوب نشده است و امپریالیسم از منظره رانده نشده است ، خونهای دیگری با زور این راه ریخته خواهد شد .  
به پاس این خونها ، به پاس پیروزی نهائی انقلاب ، به پاس آینده درخشان ایران ، سیاست دولت و مجلس جمهوری اسلامی ایران باید به همان اندازه جدی باشد .

### اجلاس هیئت رئیسه شورای جهانی صلح بوداپست ، هشتم تا دهم ماه مه ۱۹۸۰

## مراقب باشیم : خطر جنگ فراخوان بوداپست

ملت های جهان مورد تهدید قرار گرفته اند : تشنج زدائی به خطر افتاده ، مسابقه تسلیحاتی شتاب گرفته است ، و این به معنای آن است که در راه بروی جنگ نیمه باز شده است .  
با این تهدید باید به مقابله برخاست . رشته گفت و گو را در همه سطوح از نوا اتصال دهم و با فعالیت مشترک خود اعتماد متقابل را دوباره برقرار سازیم . در روزی و پنجمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم هیتلری و پایان دومین جنگ جهانی در اروپا ، شورای جهانی صلح در ریامی شکوهمند .  
خطاب به همه کسانی که بر فراز ویرانه ها و خاکسترها سوگند خوردند که برای پرهیز از یک جنگ ویرانگر تازه همه گونه تلاش کنند ، همه کسانی که دیوانگی مسابقه تسلیحاتی را افشاء میکنند همه کسانی که از توسل روز افزون به زور و مناسبات بین المللی مضطرب اند ،  
و خطاب به توده های جوان که حق زیستن در جهان بهتری را مطالبه می کنند .  
و خطاب به ملت ها و ولت های جهان می گوید :  
مراقب باشیم ! خطر جنگ !  
بی شک جنگ اجتناب ناپذیر نیست . هنوز برای متوقف داشتن تراکم دیوانهوار سلاحها خیلی دیر نیست . هنوز برای ممنوع ساختن استقرار رزاد خانه های تازه سلاح هسته ای بویژه در قلب اروپا خیلی دیر نیست . ولی اکنون در وقت آن است که به سیاست اعمال قهر و تهدید به محاصره اقتصادی ، منع صدور کالا ، تحریم بازرگانی و تحریکات نظامی پایان داده شود .

برهبریک از ما است که روند تشنج زدائی رانجات دهم ، برای از سر گرفته شد ، مذاکرات خلع سلاح مبارزه کنیم و به تجدید نظر عادلانه ای در روابط اقتصادی بین المللی دست یابیم .  
هیچ ایدئولوژی ، هیچ اختلاف در مذهب یا عقیده نباید مانع گفت و گوی روشن و باز عمل همیوند همه کسانی که از بدتر شدن اوضاع بین المللی نگرانند بشود .  
از آنچه ما را از هم جدا می دارد پرهیز کنیم و در جست و جوی آن چیزی باشیم که ما را با هم متحد می سازد .  
ما همه را به فعالیت مشترک برای جلوگیری از یک جنگ جهانی تازه فرامی خوانیم .  
شورای جهانی صلح

### اجلاس هیئت رئیسه شورای جهانی صلح بوداپست ، هشتم تا دهم ماه مه ۱۹۸۰

## قطعنامه درباره آمریکای مرکزی و دریای کارائیب

اجلاس هیئت رئیسه شورای جهانی صلح که از هشتم تا دهم ماه مه در بوداپست تشکیل شد هاست بران است که امپریالیسم آمریکا با استراتژی جنگ طلبانه سراسری خود ، به نحوی تحریک آمیز و غیرمسئول در آمریکای مرکزی و در منطقه دریای کارائیب رفتار می کند .  
با توجه به وخامت اوضاع ، بر اثر تجاوز به حق ملت ها به استقلال و حاکمیت ، صلح را به مخاطره افکند هاست ، هیئت رئیسه شورای جهانی صلح طلب می کند که کشورهای متحد آمریکا :  
- کاملاً و بدون هیچ قید و شرطی از مانورهای نظامی خود در منطقه دریای کارائیب دست بردارند و پروازهای مراقبت هوائی خود را بر فراز قلمرو حاکمیت کوبا متوقف سازند ؛  
- به دخالت خود در امور داخلی سالوادور و روگوآتاما ، به

تهدید های غیر مستقیم خود که متوجه جمهوری نیکاراگوا است ، و به تحریکات در دیگر کشورهای منطقه پایان دهد ؛  
- پایگاه هائی را که در خاک کوبا و پاناما و پورتوریکو دارد ترک کند و از محاصره اقتصادی کوبا دست بکشد ؛  
- قرارداد های مربوط به کانال پاناما را دقیقاً مراعات کند و حق پورتوریکو را به تعیین سرنوشت خویش و دستیابی به استقلال به رسمیت بشناسد .  
از این گذشته هیئت رئیسه شورای جهانی صلح لازم می داند که فعالیت های بیشتری بر ضد رژیم های فاشیستی صورت بگیرد تا احترام به حقوق بشر و گسترش دامنه آزادی های دمکراتیک تامین گردد .

هیئت رئیسه شورای جهانی صلح افکار عمومی بین المللی را به تقویت همبستگی خود با کشورهای آمریکای مرکزی و دریای کارائیب و آمریکای لاتین فرامی خواند تا مقاومت در برابر تجاوزات و برانقشه های تجار و گرانده کشورهای متحد آمریکا تحکیم یابد ؛  
چنانکه از هم اکنون این مقاومت آمریکا را وادار ساخت تا از پیاده کردن نیروهای خود در روگوآتاما چشم بپوشد .

### بقیه اجلاس صلح ...

صلح را در سراسر جهان گرد آورد و مبارزه توده ها را متحد ساخت . باید گفت و تکرار کرد که در مرحله کنونی تاریخ بشر صلح در جهان تقسیم پذیر نیست . سرنوشت صلح به همان اندازه در ایران و افغانستان مطرح است که در اروپا و دریای کارائیب یا در رمز چین و ویتنام .  
به سیاست جنگ افروزی ، قاطعانه بگوئیم : نه !  
و دست جنایتکار امپریالیسم را که به قصد خفیه کردن انقلاب ایران برآمد هاست متوقف کنیم !  
برای مزید آگاهی همگان ، در همین شماره به چاپ قطعنامه های مربوط به ایران و دریای کارائیب که از سوی شورای جهانی صلح صادر شد هاست و همچنین فراخوان صلح بوداپست " مبادرت می ورزیم